

تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان لبنان با تأکید بر جنبش حزب الله

سید مهدی طاهری^۱

چکیده

انقلاب اسلامی ایران به عنوان نقطه آغاز خیزش بیداری اسلامی در نیمه دوم قرن بیستم، نوید بخش دوره جدیدی از ظهور اسلام بود که سایر ملت‌های اسلامی، از جمله شیعیان لبنان را به تکاپو واداشت. تأثیر انقلاب بر شیعیان لبنان بیش از هر چیز مرهون عواملی همچون اقدامات روشن‌گرانه امام موسی صدر در بین شیعیان لبنان، اشغال جنوب لبنان به وسیله اسرائیل و محرومیت شیعیان آن جا بود؛ این عوامل باعث شد تا لبنان به مناسب‌ترین محل برای رشد افکار انقلابی شیعه تبدیل شد.

شیعیان این کشور به برکت انقلاب اسلامی ایران، رشد قابل ملاحظه‌ای یافته و به تدریج نقش مؤثری را در تحولات سیاسی اجتماعی بر عهده گرفتند. نگارنده مقاله در صدد است ضمن بررسی موردی تأثیرهای انقلاب اسلامی ایران بر آنها، موفقیت‌های به دست آمده برای شیعیان لبنان را برجسته سازد.

کلیدواژگان: انقلاب اسلامی ایران، شیعیان لبنان، بیداری اسلامی و اسلام انقلابی.

^۱ دبیر گروه آفریقا و عربی، پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای.

انقلاب اسلامی ایران از رخدادهای بزرگ قرن بیستم، در شرایطی اتفاق افتاد که کمتر کسی آن را در شرایط انقلابی تصور می‌کرد؛ چه این که وضعیت جهانی در دوران دو قطبی و حمایت قدرت‌های خارجی از نظام حاکم بر ایران، نشان می‌داد تحولات ایران در دهه ۱۳۵۰ به ثبات نسبی ختم می‌گردد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اسلام انقلابی با وجود رو در رویی غرب و شرق و فشارهای شدید نظام بین‌الملل و سایر دولت‌های منطقه، در سطوح جهانی و منطقه‌ای اثرگذار بوده است. گسترش ابعاد این انقلاب باعث شد تا پژوهش‌های فراوانی در باره انقلاب اسلامی ایران صورت بگیرد که به طور کلی می‌توان آنها را در چهار زمینه: چیستی انقلاب، چرایی این رخداد، چگونگی وقوع و آثار انقلاب (بازتاب) خلاصه کرد.^۱ با وجود تحقیقات انجام گرفته در سه مورد نخست، برای پاسخ‌گویی به بازتاب انقلاب، تلاش چندانی نشده است. انقلاب اسلامی ایران به عنوان الگوی ملت‌های مسلمان در جهان معاصر، بازتاب‌های متفاوتی میان مسلمانان جهان داشته است و میزان تأثیر انقلاب اسلامی، بر پایه اوضاع خاص هر منطقه و قرابت‌های فکری، فرهنگی و جغرافیایی، متفاوت بوده است. به طور کلی، هر اندازه که ملت ایران در دستیابی به اهداف انقلابی، با ملت‌های دیگر وجه اشتراک داشته است، استقبال آنها از این انقلاب نیز گسترده‌تر بوده است. در خصوص بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام طبق تحلیل و بررسی‌های انجام گرفته، چهار شکل ارائه شده است: « دخالت ملموس و چشم‌گیر (لبنان و بحرین)، نقش تقویت‌کننده و شتاب‌دهنده (مصر، تونس، نیجریه، اتحاد جماهیر شوروی [سابق]، پاکستان و فیلیپین)، برانگیختن ایدئولوژی و تفکر سیاسی اسلامی (مصر، سودان، مالزی و اندونزی) و فراهم شدن بهانه برای برخی از حکومت‌ها در سرکوب جنبش‌های اسلامی مخالف (عراق، مصر، تونس و اندونزی) ».^۲

^۱ مصطفی ملکوتیان، «تأثیرات منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۱، پاییز ۱۳۸۲، ص ۲۶۶.

^۲ جان ال اسپوزیتو، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیر شانه چی، تهران؛ مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۲، ص ۳۳۰ و ۳۳۱.

انقلاب اسلامی ایران با تجدید حیات قدرت سیاسی اسلام، در ایجاد اعتماد و بیداری ملت‌های تحت ستم نقش مؤثری ایفا کرده^۱، به چند قرن خمودگی و انحطاط تمدن اسلامی پایان داد و موجب بروز نوعی بیداری و احیاگری اسلامی، آن هم بر پایه بازگشت به ایدئولوژی و مکتب اسلام گردید. گرچه اندیشمندانی همچون سید جمال الدین اسدآبادی و محمد عبده از حدود یک قرن پیش در جهان اسلام ندای بازگشت به اسلام و تقابل با فرهنگ غرب را سر می‌دادند، ولی پیروزی انقلاب اسلامی به همه مسلمانان ثابت کرد که مسئله بازگشت به اسلام تنها یک خیال و نظر نبوده؛ بلکه می‌تواند جامه واقعیت تن کند و لذاست که احیاگری و بیداری جهان اسلام با پیروزی انقلاب اسلامی معنا و مفهوم جدیدی یافت و از مرحله نظر به عمل و واقعیت رسید^۲. «انقلاب اسلامی در ایران به دلیل جذابیت شعارها، اهداف، روش‌ها، محتوا، نتایج و سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیط منطقه و بین‌المللی، پدیده‌ای اثرگذار در جهان اسلام بود»^۳. در این راستا با انتخاب اسلام به عنوان هدف و ابزار مبارزه از سوی انقلابیون ایران، برخی از جنبش‌ها و سازمان‌های سیاسی و مبارزاتی در عرصه ناسیونالیسم، کمونیسم و لیبرالیسم رنگ باخته و توان اثرگذاری خود را از دست دادند. از سوی دیگر نیز از آن‌جا که این انقلاب بر پایه تعالیم دین اسلام و مکتب اهل بیت به پیروزی رسید، می‌توان ادعا کرد که انقلاب اسلامی جای گاه شیعیان جهان را از حاشیه و پیرامون به مرکز ثقل تحولات جهان اسلام منتقل کرد. شیعیانی که در طول چندین قرن نه تنها همواره در اقلیت بوده و آماج حملات شدید تبلیغاتی به ویژه توسط حکام و خلفای بلاد اسلامی قرار می‌گرفتند و الزاما با تکیه بر اصل تقیه حتی از بروز افکار و اندیشه‌های خود هراس داشتند، با این پیروزی، جانی دوباره گرفته و در صف اول مبارزه با

^۱. کلیم صدیقی، *مسائل نهضت‌های اسلامی*، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵، ص ۸۶ و ۱۱۰.

^۲. منوچهر محمدی، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، تهران؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۵۱۸.

^۳. محمد باقر حشمت زاده، *تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی*، تهران؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۲۸۹.

امپریالیسم و استکبار قرار گرفتند . حتی می‌توان به جرئت ادعا کرد که شناخت اسلام از دید غیر مسلمانان نیز - که قبلاً معطوف به شناخت تعالیم اسلامی با تعبیر اهل سنت و جماعت بود - تحول اساسی یافته و گرایش به درک اسلام از دیدگاه مکتب تشیع بیشتر گردید. اگر چه در این زمینه آمار دقیقی در دسترس نیست؛ ولی اطلاعات موجود نشان می‌دهد بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شمار کسانی که از دریچه مکتب اهل بیت به دین اسلام گرویده‌اند، به طور چشم‌گیری افزایش یافته است، در حالی که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، صرفاً کسانی از این مسیر اسلام را انتخاب می‌کردند که در اثر آشنایی و برخورد تصادفی با ایرانی‌ها و یا شیعیان تحت تأثیر قرار می‌گرفتند . هم‌چنین شرق‌شناسان و اسلام‌شناسان غربی که تا این زمان توجه چندانی به مکتب تشیع نداشته و اسلام را از دریچه اکثریت می‌دیدند و در نتیجه مطالعات و پژوهش‌های خود را بیشتر بر پایه شناخت اسلام از دیدگاه اهل سنت و جماعت قرار داده بودند، ناگهان احساس کردند که از نظر شناخت مکتب تشیع در ابهام شدیدی به سر می‌برند و در همین راستا بود که مسیر تحقیقات خود را تغییر داده و با تشکیل کنفرانس‌ها و سمینارهای مختلف و انتشار مقالات و کتب گوناگون در جهت شناخت بهتر این مکتب تلاش گسترده‌ای را آغاز کردند^۱ .

یکی از مناطقی که به صورت ملموس و چشم‌گیر از انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفته است، لبنان و بالاخص شیعیان این کشور می‌باشند؛ بدان دلیل که با وجود طایفه‌های متعدد در جامعه لبنان، هر گروهی جهت اعمال نفوذ نیازمند توان ذاتی طایفه خود و هم‌چنین حمایت یک قدرت خارجی می‌باشد، در حالی که شیعیان لبنان در طول تاریخ، هیچ‌یک از عوامل مورد نیاز برای اعمال قدرت در جامعه لبنان را در اختیار نداشتند .

هر چند شیعیان لبنان با رهبری علمائی همچون علامه شرف‌الدین و امام موسی صدر، تلاش‌های بسیاری برای دستیابی به حقوق خود انجام دادند؛ موانع ایجاد شده از سوی دشمنان داخلی و خارجی، باعث شد که آنها به اهداف مورد نظر دست نیابند . پیروزی انقلاب اسلامی ایران که هم‌زمان با ناپدید شدن امام

۱. منوچهر محمدی، پیشین، ص ۵۱۹ و ۵۲۰ .

موسی صدر بود، بسترساز احیای نهضت شیعی لبنان شد و با ورود جمهوری اسلامی ایران به صحنه سیاسی لبنان، این کشور به مهم‌ترین کانال اثرگذاری بر مسئله قدس، فلسطین و منازعه اعراب با رژیم صهیونیستی تبدیل شد و شیعیان نیز با تأثیرپذیری از ایران در مقایسه با قبل از انقلاب، حالت فعال به خود گرفته و به تدریج با انتقال از حاشیه قدرت به مرکز ثقل تحولات، نقش فزاینده‌ای را در تحولات سیاسی اجتماعی لبنان بر عهده گرفتند؛ به طوری که در حال حاضر می‌توان مدعی شد که بدون در نظر گرفتن دیدگاه‌ها و خواسته‌های آنان، دستیابی به هرگونه توافق در جامعه فرقه‌ای طایفه‌ای لبنان ممکن نیست.

در این مقاله نگارنده در صدد پاسخ به این پرسش است که مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان لبنان چه مواردی بوده است؟ از این رو، ضرورت دارد برای آشنایی بیشتر خوانندگان، توصیف مختصری از جامعه لبنان عرضه شود و در ادامه با بررسی اجمالی وضعیت شیعیان لبنان تا قبل از انقلاب، بتوان ابعاد تأثیر انقلاب بر آنها را بهتر درک کرد.

جامعه لبنان

این کشور کوچک‌ترین سرزمین خاورمیانه پس از بحرین، پرجمعیت‌ترین کشور نسبت به وسعت خاکی خود در خاورمیانه می‌باشد که در نوامبر ۱۹۴۳م. استقلالش به رسمیت شناخته شد. این کشور از لحاظ جغرافیایی، در غرب آسیا و ساحل شرقی دریای مدیترانه قرار دارد که از شمال و شرق، با سوریه و از جنوب، با فلسطین اشغالی همسایه می‌باشد. لبنان در یک موقعیت حساس جغرافیایی قرار گرفته که از رهگذر این موقعیت مهم، فواید و امتیازات مهمی نصیبش شده و در عین حال دچار آسیب‌هایی نیز شده است:

امتیازات

۱- قرار گرفتن در وضعیت مناسب برای ارتباطات اقتصادی، تجاری و فرهنگی بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا؛

۲- محل تلاقی مسیحیت با اسلام و دروازه اتصال جهان عرب به اروپا؛

۳- تبدیل شدن به پناهگاهی مناسب برای اقلیت‌های مذهبی سرزمین‌های

همسایه به دلیل کوهستانی بودن .

۴- تبدیل شدن ، به محل مناسبی برای جریان‌های فکری، رسانه‌های گروهی و موسسه‌های انتشاراتی قوی دنیا با توجه به فضای آزاد علمی و فرهنگی .
آسیب‌ها

۱-مورد تهاجم قرار گرفتن به‌وسیله رژیم صهیونیستی به دلیل نزدیک بودن به این رژیم؛

۲-قرارگرفتن لبنان در سواحل مدیترانه و راه داشتن به دریای آزاد و آبهای بین‌المللی، عامل اصلی نفوذ استعمارگران در این کشور بوده است.

۳-به‌دلیل تنوع طوایف مذهبی - سیاسی، تقسیم قدرت در این کشور همیشه با اختلاف ها و درگیری‌ها روبه‌روست.

در لبنان هیجده طایفه مذهبی وجود دارد شامل دوازده فرقه مسیحی، پنج گروه اسلامی و یک طایفه کوچک یهودی.^۱ فرقه‌های اسلامی عبارتند از: شیعه، سنی، دروزی، علوی و اسماعیلی و مسیحیت نیز شامل مارونی، کاتولیک، ارامنه، ارتدوکس، کلدانی، نستوری و اقلیت‌های دیگر است.^۲

نکته قابل توجه در خصوص ساختار سیاسی لبنان این است که گرچه ساختار این کشور در ظاهر شبیه حکومت‌های دموکراسی است؛ سران سیاسی در سیستم حکومتی، هنوز به‌عنوان اعضای جوامع مذهبی متعلق به خود عمل می‌کنند و لذا ثبات سیاسی در جامعه لبنان به همکاری اینها بستگی دارد و عملاً تا زمانی که در لبنان، نظام فرقه‌ای، آن‌هم با برتری یکی بر دیگری حاکمیت دارد، هیچ‌گونه ضمانتی بر ثبات دائمی میان طوایف مختلف وجود ندارد . هرچند برخی از رهبران برجسته لبنان، توسعه هویت ملی را در نظر گرفته‌اند- به‌ویژه پس از میثاق ملی (۱۹۴۳) و قرارداد طائف (۱۹۹۰)- ولی تمام کوشش‌ها برای از میان بردن ملاحظات فرقه‌ای از قانون اساسی یا کاستن نفوذ آن از سیستم اداری، با شکست روبه‌رو شده است .

^۱ . شیعة لبنان: الرقم الصعب محلیاً وإقليمياً، برگرفته از سایت

<http://www.al-bayyna.com/modules.php?name=News&file=article>

^۲ . هـ علیزاده، فرهنگ سیاسی لبنان، ترجمه محمدرضا گل‌سرخ‌ی و محمدرضا معماری، تهران؛ نشر

سفیر، ۱۳۶۸، ص ۱۳

سیستم حکومتی لبنان بر پایه «قانون اساسی» و «میثاق ملی»^۱ استوار است. قانون اساسی لبنان که در سال ۱۹۲۶ تصویب شده است، تاکنون بارها تعدیل و اصلاح شده^۲ و میثاق ملی نیز به‌عنوان قانون اساسی نانوشته، قراردادی است که در سال ۱۹۴۳ میان مسلمانان با مسیحیان منعقد گردید.^۳ بر مبنای اصل ۹۵ قانون اساسی لبنان، پست‌های حکومتی بر اساس وابستگی‌های طایفه‌ای و مذهبی تقسیم شده‌اند و مطابق آن، رئیس‌جمهور از میان مارونی‌ها، نخست‌وزیر از میان سنی‌ها، رئیس‌مجلس از میان شیعه‌ها، نایب‌رئیس‌اول مجلس از میان ارتدوکس‌ها و تعدادی از وزرای کابینه نیز از میان این فرقه‌ها و سایر گروه‌ها باید برگزیده شوند.^۴

نکته قابل توجه دیگر آن که سابقه حضور استعمار فرانسه در این کشور، توازن طایفه‌ای را به نفع مسیحیان تمام کرد؛ چرا که طبق آخرین سرشماری طایفه‌ای رسمی فرانسه در سال ۱۹۳۲م. جمعیت لبنان ۸۶۱۰۰۰ نفر اعلام شد که در آن موقع، مسیحیت با ۵۱٪ بیشترین جمعیت لبنان را تشکیل می‌دادند. نکته قابل توجه آن که پس از آن تاکنون هیچ آمار رسمی برای جمعیت طایفه‌ای لبنان اعلام نشده است^۵، در حالی که با امکان دستیابی مسئولان لبنانی به آمار ثبت‌شده‌ها یا آمارهای انتخاباتی و اسناد کشور، شبهه باقی می‌ماند که چنین سکوتی در مشخص کردن و اعلام دگرگونی در ترکیب جمعیت طوایف مختلف، تنها به سود مسیحیان و به زیان مسلمانان صورت می‌گیرد. عدم اعلام آمار رسمی جمعیت لبنان با توجه به ساختار طایفه‌ای قدرت در لبنان، بدان دلیل است که آمار مسلمانان، به‌ویژه شیعیان به دلیل زاد و ولد بیشتر، افزایش و در عین حال جمعیت مسیحیان به دلیل مهاجرت به اروپا کاهش یافته است و حتی به اعتراف خود مسیحیان نیز، با زیاد شدن آمار مسلمانان، مسیحیت در

۱. «الدستور اللبناني و الميثاق الوطني»

۲. ه. علیزاده، پیشین، ص ۲۳.

۳. همان، ص ۲۶.

۴. مسعود الخوند، الموسوعة التاريخية الجغرافية، بيروت؛ شرکت العالمیه للموساعات، ۲۰۰۵، ص ۱۸۰.

۵. احمد نادری سمیرمی، لبنان، تهران؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶، ص ۶-۷.

جامعه لبنان به اقلیت تبدیل شده است. به عنوان مثال « تیری دژاردن » در این زمینه می گوید: « بدبختانه افزایش جمعیت مسلمانان بر پیش نویس قانون نویسان پیشی گرفته است و همه می دانند که امروز مسیحیان در لبنان به اقلیت تبدیل شده اند ».^۱

ذکر این نکته ضروری است که در مورد میزان جمعیت مسلمانان و شیعیان نسبت به مسیحیان میان طوایف اختلاف وجود دارد و شواهد نیز دال بر کثرت جمعیت مسلمانان به خصوص شیعیان دلالت می کند. بر اساس آمار سال ۱۹۷۹، جمعیت لبنان بالغ بر سه میلیون نفر برآورد شده که ۵۸٪ آن را مسلمانان تشکیل می دادند.^۲ هم چنین در آبان ۱۳۸۵ گزارشی منسوب به کمیته روابط خارجی کنگره آمریکا منتشر شد که در آن اقرار شده است شیعیان لبنان، بزرگ ترین طایفه در این کشورند. در این گزارش، ترکیب جمعیت طوایف به ترتیب ذیل ذکر شده است: شیعه ۳۴ درصد، سنی ۲۰ درصد، مسیحی مارونی ۱۹ درصد، مسلمان دروز ۸ درصد، مسیحی ارتودوکس ۶ درصد، مسیحی ارمنی ۶ درصد، مسیحی کاتولیک: ۵ درصد و دیگر طوایف ۲ درصد.^۳ این آمار، فزونی طایفه شیعه را تأیید می کند، با این حال شیعیان معتقدند که جمعیت آنها از آمار مذکور هم بیشتر است. گفته می شود در حال حاضر ۴۵ درصد جمعیت لبنان شیعه است و انتظار می رود تا سال ۲۰۲۵ این آمار به ۶۵ درصد برسد.^۴

در حال حاضر شیعیان با وجود پیشرفت نسبت به قبل از انقلاب اسلامی ایران و کثرت جمعیت در قیاس با سایر طوایف، هنوز سهم ناچیزی از قدرت را در اختیار دارند.

^۱ . تیری دژاردن، صد میلیون عرب، ترجمه حسین مهری، تهران؛ نشر توس، ۱۳۶۹، ص ۱۷۸

^۲ . غلامرضا علی بابایی، فرهنگ تاریخی سیاسی ایران و خاورمیانه، جلد چهارم، تهران، موسسه رسا، ۱۳۷۴، ص ۷۷۲.

^۳ . سید محمود موسوی بجنوردی، « مروری بر موقعیت طوائف، مسائل سیاسی و نظامی لبنان»، روزنامه همشهری، ۱۳۸۵ / ۹ / ۸.

^۴ . عادل بن زید الظریفی، « جمهوری لبنان الاسلامیه»، روزنامه الرياض، چهارشنبه، ۲۲ نوامبر ۲۰۰۶، شماره ۱۴۰۳۰.

وضعیت شیعیان لبنان تا قبل انقلاب اسلامی

خاستگاه اصلی جامعه شیعی لبنان منطقه جبل عامل است و علمای شیعه، ابوذری غفاری را مؤسس جامعه شیعه جبل عامل می‌دانند.^۱ شیعیان لبنان، از قرن سوم هجری به بعد در منطقه جبل عامل، بخش شمالی دره بقاع، طرابلس و کسروان، ساکن بودند. به دنبال فتح سوریه به دست صلاح‌الدین ایوبی و فرمانروایی حکام ایوبی و حکومت سلاطین سنی مذهب، شیعیان از منطقه شمالی لبنان بیرون رانده شدند.^۲ بسیاری از شیعیان به دلیل قرار گرفتن در معرض قتل و اسارت، برای نجات خویش به تسنن تغییر مذهب دادند؛ به گونه‌ای که بسیاری از شیعیان شهر طرابلس و شمال لبنان سنی شدند. بیشتر آنها نیز برای حفظ جان خود به مناطق کوهستانی جبل عامل مهاجرت کردند.^۳ دورافتادگی جغرافیایی این مناطق و دوری آنها از ظلم حاکمان سنی، نه تنها سبب تداوم و استمرار فرهنگ شیعی در این ناحیه گردید؛ بلکه موجب جذب شیعیان امامیه از سایر بخش‌ها به این ناحیه شد. بدین ترتیب، جبل عامل در طول تاریخ، همواره نقطه انتشار فرهنگ اهل بیت و مرکز تجمع شیعیان، به ویژه دانشمندان، نویسندگان، شاعران و مصلحان بزرگ و نام‌آور شیعه بود. به طور کلی، دور افتادگی این مناطق، سطح پایین زندگی و بالاخره فقر منابع اقتصادی، باعث شد تا مادامی که مردم این ناحیه، منشأ تهدید سیاسی حکام شهرهای بزرگ نبوده‌اند، آنها به تصرف یا کنترل مستقیم این منطقه نپردازند.^۴

حکومت لبنان تا اوایل قرن شانزدهم میلادی همچنان در دست پادشاهان سنی مذهب بود و در سال ۱۵۱۶ میلادی، نیروهای عثمانی بر لبنان مسلط شدند. گرچه در این دوره به برخی فرمانروایان محلی لبنان امتیازاتی

۱. محمد تقی آل فقیه العاملی، *جبل عامل فی التاریخ*، بغداد؛ دارالساعه، ۱۳۴۶، ص ۴۹

۲. جواد بولس، *تاریخ لبنان*، بیروت؛ دارالنهار للنشر، ۱۹۷۲، ص ۲۶۵.

۳. جعفر المهاجر، *التأسيس لتاریخ الشیعه فی لبنان و سوریه*، بیروت؛ دارالملاک، ۱۹۹۲، ص ۵۲.

۴. شیخ محمد بن الحسن الحر العاملی، *امل الامل*، تحقیق السید احمدالحسین، بغداد؛ مکتبه الاندلس،

بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵

داده می‌شد، ولی شیعیان همچنان به دلیل ستم^۱ حاکمان ترک، بسیاری از علمای جبل عامل به دعوت حاکمان صفویه به ایران مهاجرت کردند.^۲ هر چند در این روزگار، با حضور عالمان لبنانی در ایران، تشیع در حال بالندگی بود، جبل عامل به تدریج از وجود عالمان و فقیهان شیعی تهی می‌شد.

شیعیان در دوران حکومت عثمانی، در مقایسه با سایر طوایف لبنانی از صحنه سیاسی به دور بودند؛ در قرن نوزدهم میلادی که لبنان تحولی عمیق را پشت سر گذاشت، شیعیان هنوز به صورت عشیره‌ای زندگی می‌کردند و قدرت واقعی شیعه در دست سران عشایر قرار داشت. در این زمان، فاصله و شکاف میان شیعیان با سایر طوایف زیادتر شد؛ زیرا مارونی‌ها با فرانسه، دروزی‌ها با بریتانیا، ارتدوکس‌های یونانی با روسیه متحد بودند و سنی‌ها نیز خود را بخشی از خلافت عثمانی دانسته و از حمایت آنان برخوردار بودند.^۳ تنها گروه شیعه بود که از حمایت خارجی محروم بود و فقط گاهی از جانب حکام قاجار برای رفاه برخی از تجار شیعه علاقه‌ای نشان داده می‌شد، البته این حمایت بسیار ضعیف بود.^۴

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، با اصلاحات ارضی حکومت عثمانی، در نواحی شیعه نشین دگرگونی محدود اقتصادی - اجتماعی پدید آمد^۵ که به رشد گروه کوچکی به نام «اشراف» یا «زعماء» منجر شد و این گروه توانستند مالکیت برخی اراضی را بدست گیرند. با تمرکز ثروت در دست زعماء، آنها نمایندگان مناطق شیعی در شوراهای اداری عثمانی محسوب می‌شدند.^۶ در اثر رقابت‌های داخلی، نفوذ خانواده‌های زعماء بسیار کاهش یافت. به

^۱ حسن خ غریب، *نحو تاریخ فکری سیاسی لشیعه لبنان*، بیروت؛ دارالکتب الادبیه، ۲۰۰۰، ج ۱، ص ۱۸۳ - ۱۸۴.

^۲ پیشین، ص ۲۰۷ - ۲۰۸.

^۳ سعدون حماده، *تاریخ الشیعه فی لبنان*، بیروت؛ دارالخیال، ۲۰۰۸، ص ۸۸ - ۸۹.

^۴ Fawaz, Leila Tazari. (۱۹۸۳) "Merchants and Migrants in Nineteenth-Century Beirut" Cambridge: mass p ۲۰.

^۵ و. لوتسکی، *تاریخ عرب در قرون جدید*، ترجمه پرویز بابایی، تهران؛ انتشارات چاپار، ۱۳۵۴، ص ۱۸۱ - ۲۹۷.

^۶ Buheiri, M.R. (۱۹۸۱) "Intellectual Life in the Arab-east ۱۸۹۰-۱۹۳۹" Beirut pp ۱۲۲ - ۱۲۱

موازات زعما، خاندان‌های تحصیل کرده علما که -از طبقات مختلف بودند- از وجهه اجتماعی قابل ملاحظه‌ای برخوردار بودند؛^۱ ولی از آن‌جا که طبقه غالب در جامعه - روستاییان و دهقانان- تابع زعما بودند، علما پایگاه اقتصادی گسترده‌ای نداشتند و لذا در تدوین خط سیر مستقل سیاسی محدود بودند.^۲

با تضعیف عثمانی در دهه ۱۸۹۰ و با فشار قدرت‌های اروپایی بر عثمانی، منطقه جیل عامل برای خاتمه دادن به جنگ میان مارونی‌ها و دروزی‌ها، خودمختار شد؛^۳ ولی شیعیان همچنان به دلیل فشارهای گذشته از سوی حاکمان سنی - که در این منطقه خودمختار، تنها ۶ درصد از مجموع کل جمعیت را تشکیل می دادند - به دلیل حاشیه نشینی بیشتر آنها در جنوب لبنان و منطقه بقاع، نسبت به سایرین عقب مانده بودند.^۴ در حالی که سایر مناطق لبنان در اثر پیشرفت‌های اقتصادی و مداخلات روزافزون قدرت‌های مختلف اروپایی، شاهد بروز جریان‌های فکری جدید و مکتب‌های مختلف دینی بودند. در اواخر قرن نوزدهم گرچه گروهی که به تازگی وارد طبقه زعما شده بودند، بانی تجدید حیات و بیداری سیاسی شیعیان گردیدند، بیشتر شیعیان از لحاظ جغرافیایی در انزوا، از لحاظ سیاسی ضعیف و از نظر اقتصادی تابع حکومت خاندان‌های فئودال متخاصم باقی ماندند^۵ و با همین موقعیت وارد قرن بیستم شدند.

با فروپاشی امپراتوری عثمانی، پس از جنگ جهانی اول و ورود مستقیم فرانسه به لبنان، شیعیان در نگرش به آینده و نحوه برخورد با فرانسه دچار اختلاف شدند؛ برخی از آنان خواهان تشکیل کشور بزرگ و فدرال سوریه و ادغام لبنان در آن بودند تا همانند سایر اقلیت‌ها، حقوق بیشتری در اختیار شیعیان

۱. مصطفی معینی آرانی، *ساختار اجتماعی لبنان و آثار آن*، تهران؛ وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲، ص ۲۹.

۲. Buheiri, M.R. Ibid. pp ۱۱۹ - ۱۲۰.

۳. ایتامار رابینوویچ، *جنگ برای لبنان*، ترجمه جواد صفایی و غلامعلی رجیبی یزدی، تهران؛ نشر سفیر، ۱۳۶۸، ص ۲۰.

۴. مسعود اسداللهی، *از مقاومت تا پیروزی*، تهران؛ موسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه سازان نور، ۱۳۷۹، ص ۲۲ و ۲۳.

۵. Buheiri, M.R. Ibid. pp ۹۲ - ۹۳.

قرار گیرد؛ برخی دیگر از رهبران شیعه به دلیل ترس از حکومت سنی دیگر، حاکمیت سنی مذهبان سوریه را بر شیعیان نمی‌پذیرفتند.^۱

در اوت ۱۹۲۰ نماینده بلند پایهٔ فرانسه، برپایی دولت لبنان بزرگ با مرزهای کنونی‌اش را اعلام کرد و بدین ترتیب شهرهای صور، صیدا و بیروت به منطقه جبل لبنان پیوستند.^۲ در آوریل همان سال، قیمومت فرانسه بر لبنان رسماً اعلام شد^۳ و به دنبال آن در سال ۱۹۲۲، فرانسوی‌ها با تأسیس مجلس نمایندگان که همهٔ فرقه‌های لبنانی، از جمله شیعیان در آن نماینده داشتند، قانون اساسی لبنان را وضع کردند. در مارس ۱۹۲۶ نیز نماینده عالی رتبه فرانسه، علاوه بر اعلام قانون اساسی، دولت بزرگ لبنان را به جمهوری لبنان تبدیل کرد.^۴ در خلال قیام دروزی‌ها در ژانویه ۱۹۲۶، شیعیان به دستاورد سیاسی و دینی مهمی دست یافتند. از آن‌جا که جامعهٔ شیعه طی دهه‌های گذشته نقش مهمی را در جهت تحکیم لبنان بزرگ ایفا کرده بود، دولت فرانسه به دلیل بی‌اعتمادی شیعیان به ناسیونالیسم، برای راضی نگه‌داشتن شیعیان، جلوگیری از پیوستن آنها به دروزی‌ها و عدم شکل‌گیری جبهه متحد اسلامی علیه فرانسه، به جامعه شیعیان امتیازاتی واگذار کرد که قبلاً توسط خلفای عثمانی و دیگر رهبران سنی سلب شده بود.^۵

فرانسوی‌ها با رسمیت دادن به مذهب شیعه در کنار دیگر مذاهب لبنان، رسماً وضعیت حقوقی جداگانه‌ای برای شیعیان قائل شده و با تاسیس دادگاه‌های شرع جعفری در لبنان، برای نخستین بار در طول تاریخ لبنان، شیعیان به عنوان یک گروه دینی جدا از اهل سنت و دارای تشکیلات قضایی خاص خود، به رسمیت شناخته شدند.^۶

لبنان در سال م. ۱۹۴۳ از قیمومت فرانسه خارج و مستقل شد. در آن

^۱ . حسن خ غریب، پیشین، ج ۱، ص ۲۷۰

^۲ . ه . علیزاده، پیشین، ص ۲۱

^۳ . مسعود الخوند، پیشین، ص ۳۶۹

^۴ . ه . علیزاده، پیشین، ص ۲۱.

^۵ . ایتمار رابینوویچ، پیشین، ص ۴۳.

^۶ . Olmert, Joseph. (۱۹۸۷) "The Shiites Of Lebanon" In Martin Kramer, Shiism Resistance and Revolution, London : Menasell Publication, p۱۰.

دوران هرچند مارونی‌ها و سنی‌ها در استقلال لبنان سهم بزرگی داشتند، ولی اتحاد و یک‌رنگی شیعیان این سرزمین و پیروی آنها از علما و رهبران دینی، آثار عمیقی بر استقلال لبنان داشت و حتی گفته می‌شود که استقلال این سرزمین مرهون فداکاری‌های رهبران دینی شیعیان می‌باشد.^۱ آیت الله سید عبدالحسین شرف‌الدین از جمله افرادی بود که مبارزات سیاسی خود را همگام با گروه‌های استقلال طلب آغاز کرده بود تا لبنان را از زیر یوغ دولت عثمانی برهاند. وی با فراخواندن علما، به بیدار کردن مردم و مقاومت در برابر فرانسه پرداخت و مردم جبل عامل را نیز علیه متجاوزان بسیج کرد.^۲

در اواخر دهه ۱۹۵۰، با تلاش‌ها و مجاهدت‌های علامه شرف‌الدین برای خروج شیعیان از حالت انزوا، به تدریج نشانه‌های اولیه تغییرات عمیق و گسترده اجتماعی آشکار شد. در این دوره از یک‌سو روند جابه‌جایی شیعیان به سمت شهرها افزایش یافت و شیعیان از انزوا خارج شدند و از سوی دیگر نیز در سال ۱۹۵۸م. با شروع نخستین بحران داخلی لبنان، طایفه شیعه در برابر آزمونی مهم قرار گرفت. در این بحران که جنگ میان مسلمانان و مسیحیان بر سر قدرت بود، انتظار می‌رفت شیعیان در صف مخالفان مسیحی سنگربندی کنند، اما شیعیان نه به علت رضایت از حاکمیت مسیحیان، بلکه به دلیل ترس و وحشت از سلطه مجدد اهل سنت، خواهان حفظ وضع موجود بودند.^۳ عدم شرکت شیعیان در جنگ داخلی باعث شد تا ژنرال فؤاد شهاب به منظور کاستن از محرومیت شدید مسلمانان، مشارکت آنان در امور کشور و برقراری توازن سیاسی و ایجاد صلح و آرامش نسبی در لبنان و تعهد شیعیان به نظام سیاسی موجود، حداقل امکانات را در اختیار آنان گذارد.^۴

این دوره، هم‌زمان با ورود امام موسی صدر به لبنان است؛ چرا که با

۱. میر ابوالفتح دعوتی، *مسلمین شیعه در لبنان*، تهران: انتشارات آثار بعثت، ۱۳۵۲، ص ۷ و ۸.

۲. غلامرضا گلی زواره، «سیری در تاریخ و جغرافیای لبنان»، *مجله مکتب اسلام*، شماره ۶ و شماره ۱۰، سال ۱۳۸۱

۳. مسعود اسداللهی، پیشین، ص ۲۶ و ۲۷.

۴. Olmert, Joseph. . Ibid. p۱۷.

درگذشت آیت الله شرف الدین، بنابر وصیت ایشان، آیت الله سید موسی صدر به لبنان رفت و فعالیت‌های خود را بر مبنای دو محور اساسی آغاز کرد: ۱ - تکمیل کارهای مرحوم شرف الدین؛ ۲ - طرح برنامه‌های جدید و آغاز اقدامات اساسی.^۱

با ورود امام موسی صدر به لبنان در نیمه‌های دهه شصت، وی ناتوانی و عدم تمایل رهبران سنتی شیعه را در رویارویی با مشکلات ناشی از اصلاحات در لبنان مشاهده کرده. افزون بر آن، پیوستن بسیاری از جوانان شیعه به سازمان‌های چپ‌گرای لاییک را نیز با نگرانی شاهد بود.^۲ احزاب چپ شامل حزب کمونیست، حزب قومی سوری، سازمان‌های ناصری «رابطون»، سازمان‌های افراطی فلسطین و حتی فتح بودند که شمار فراوانی از شیعیان را دور خود جمع کرده بودند.^۳ تمایل شیعیان به سوی احزاب چپ بدان جهت بود که شیعیان با وجود فزونی جمعیت نسبت به سایر طوایف، هیچ یک از عوامل مورد نیاز برای اعمال قدرت در جامعه لبنان را در اختیار نداشتند؛ زیرا-همان گونه که گفته شد- مهم‌ترین عوامل جهت اعمال نفوذ در لبنان عبارتند از: توان ذاتی یک طائفه و حمایت خارجی از آن که در این دوران تمام طوایف و قبایل در لبنان به جز شیعیان، بستگی به نوع مذهب به یک کشور خارجی وابسته بودند.^۴

امام موسی صدر برای حل این مشکلات چند اقدام اساسی انجام داد که عبارتند از:

- الف- مطالعات عمیق به منظور ریشه‌یابی عوامل عقب ماندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شیعیان؛
- ب- فعالیت‌های گسترده دینی، فرهنگی و اجتماعی در مناطق شیعه نشین لبنان.

حاصل تلاش‌های امام موسی صدر را در چند جمله زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱. میر ابوالفتح دعوتی، پیشین، ص ۱۰.
 ۲. حسن خ غریب، پیشین، ج ۲، ص ۱۱۰ - ۱۱۲.
 ۳. مصطفی چمران، لبنان، تهران؛ بنیاد شهید چمران، ۱۳۶۲، ص ۵۳ و ۵۴.
 ۴. منوچهر محمدی، پیشین، ص ۲۳۲ و ۲۳۳.

- ۱- تاسیس جنبش محرومین با هدف محرومیت زدایی^۱؛
- ۲- تاسیس مراکز فرهنگی، آموزشی و حرفه‌ای به منظور جهت ایجاد اشتغال و خودکفایی اقتصادی، کاهش درصد بی‌سوادی، رشد فرهنگ عمومی و اجرای پروژه‌های عمرانی در مناطق محروم^۲؛
- ۳- تأسیس مجلس قانونی شیعی (مجلس اعلای شیعه) به عنوان تشکیلات قانونی برای به دست آوردن حقوق طایفه شیعه^۳؛
- ۴- همکاری با همه طوایف مذهبی لبنان و کوشش برای حفظ وحدت کشور در برابر اشغال‌گری اسرائیل^۴؛
- ۵- ائتلاف سیاسی با سوریه به رهبری حافظ اسد به عنوان حامی شیعیان در عرصه‌های مالی، سیاسی، پشتیبانی نظامی و تسلیحاتی^۵؛
- ۶- تأسیس شاخه نظامی حرکت محرومان با عنوان «افواج المقاومة اللبنانية - امل»^۶؛

گرچه شیعیان با تاسیس این جنبش تحت رهبری یک نهاد دینی و برخورداری از حمایت کشور سوریه، در صدد دستیابی به اهداف واقعی خود در جامعه لبنان بودند؛ ولی شکل‌گیری جنگ داخلی لبنان و ناپدید شدن امام موسی صدر، شیعیان را در رسیدن به اهداف خود با مشکل مواجه کرد.

با ربوده شدن امام موسی صدر، از یک‌سو شیعیان لبنان رهبر خود را از دست داده بودند و از سوی دیگر، اقتدار و کارآمدی رهبران سنتی جامعه شیعه-

^۱ . عاکف حیدر، *الاشیاء باسمائها من اجل لبنان افضل*، بیروت؛ شركة المطبوعات للتوزیع والنشر، ۱۹۹۵، ص ۴۹ و ۵۰.

^۲ . حسین غریبه، «معمار هویت: بررسی نقش امام موسی صدر در شکل‌بندی هویت شیعی لبنان»، ترجمه سید کاظم سید باقری، نگاه حوزه، شماره ۱۸۴، ۲۰ خرداد ۱۳۸۵، ص ۱۵.

^۳ . عبدالرحیم ابادری، *امام موسی صدر سرورش وحدت*، تهران؛ مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۵.

^۴ . ابراهیم یزدی، «نقش امام موسی صدر در لبنان و انقلاب ایران»، یادنامه امام موسی صدر، ویژه‌نامه تاریخ و فرهنگ معاصر، به کوشش سید هادی خسروشاهی، قم؛ مرکز بررسی‌های اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۴۰۹.

^۵ . ه. علیزاده، پیشین، ص ۱۹۲.

^۶ . مصطفی چمران، پیشین، ص ۱۸۷ - ۱۸۸.

افرادی همچون کامل اسعد، کاظم خلیل و عادل عسیران - در اداره امور شیعیان کاهش یافته بود و آنان دیگر قادر به حفظ موقعیت خود نبودند.^۱ وضعیت فوق، امید شیعیان در داشتن آینده‌ای بهتر کم‌رنگ شد؛ ولی در دوره‌ای که احساس می‌شد آنان دیگر قادر به حفظ موقعیت خود نباشند، پیروزی انقلاب شیعی در ایران، آنها را به آینده امیدوار کرد.

بررسی موردی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان لبنان

سرنگونی حکومت خودکامه و دست نشانده پهلوی در ایران و اثبات موفقیت‌های جنبش مردمی و سازماندهی شده شیعی با انگیزه‌های دینی، احساس شیعیان لبنان را در برتری بر سایر طوایف لبنانی برانگیخته شد؛ زیرا با تأسیس یک دولت انقلابی شیعه در منطقه، پرسش‌های اساسی در میان طایفه شیعه لبنان مطرح شد که در آینده نه چندان دور در قالب اختلاف میان اعضای امل ظهور یافت. پرسش‌های مهم از این قرار بود:

- ۱- آیا با تاسیس یک نظام انقلابی شیعه در منطقه، شیعیان لبنان به صورت سنتی از نظام سیاسی لبنان حمایت خواهند کرد یا از نظام شیعی در ایران؟
 - ۲- آیا امکان دارد شیعیان لبنان برای برپایی یک نظام اسلامی همانند جمهوری اسلامی ایران در یک کشور طایفه‌ای همچون لبنان تلاش کنند؟^۲
- در ادامه، نگارنده قصد دارد ضمن بررسی موردی تأثیر انقلاب اسلامی ایران و موفقیت‌های آن برای شیعیان لبنان، پرسش‌های مذکور را پاسخ دهد.

مهم‌ترین تأثیر انقلاب بر شیعیان لبنان

۱. گسترش موج بیداری اسلامی

پس از گذشت یک قرن از ورود تمدن غرب به جهان اسلام و مشاهده مظاهر پیشرفت در جوامع غربی، بحران‌های طولانی بر کشورهای اسلامی سایه افکنده بود که در پاسخ به این اوضاع بحرانی، جریان‌های مختلف فکری و سیاسی در جهان اسلام ظاهر شد. از یک‌سو، شمار فراوانی از تحصیل‌کرده‌های جدید، با

^۱. ایتمار رابینوویچ، پیشین، ص ۹۵.

^۲. مسعود اسداللهی، پیشین، ص ۴۵.

فراموشی گذشته خود در هویت جهان غرب فرورفتند؛ تا جایی که حتی توجه بسیاری از آنها به گذشته خود، تنها با تکیه بر تحقیقات جدید غرب بود و به گفته‌های غربی‌ها درباره گذشته مسلمانان اعتماد می‌کردند. اعتماد به نفسی که روزگاری به عنوان پشتوانه تمدن بزرگ اسلامی مطرح و سبب گسترش فرهنگ سنتی - اسلامی، رشد و باروری آن بود، دیگر در میان آنها چندان طرفداری نداشت. از سوی دیگر نیز برخی سنت‌گرایان افراطی، هرگونه رشد و پیشرفت جامعه غرب را در تضاد با اسلام دانسته، برای آنها سرمایه‌داری جهانی بزرگ‌ترین خطر برای هویت فردی و جمعی مسلمانان تلقی می‌شد.^۱

البته حالت میانه‌ای نیز بود که ضمن پذیرش مظاهر پیشرفت غربی، در عین استفاده از آن، خواستار ایجاد خودآگاهی در جوامع اسلامی برای بازگشت به هویت اسلامی بودند. « پیروزی انقلاب اسلامی برخلاف اندیشه حاکم «نشان داد که ادیان، به‌ویژه دین اسلام، با گذشت زمان و توسعه مدرنیزاسیون، نه تنها به پایان راه خود نرسیده‌اند؛ بلکه هنوز به‌عنوان مهم‌ترین راه نجات بشریت از ظلم و بیدادگری مطرح می‌باشند »^۲.

انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک انقلاب دینی در جهان غیرمذهبی مدرن، پدیده‌ای شگرف بود که به بازگشت عظمت دیرین دنیای اسلام می‌انداخت. « این انقلاب با احیای تفکر اسلامی، نقش اسلام و مسلمانان را در عرصه‌های مختلف اجتماعی برجسته ساخته »^۳ و عنصر هویت اسلامی را به عنوان واقعیتی پذیرفته شده در مقابل هویت غربی قرار داد. « این انقلاب، ایدئولوژی انقلابی جدیدی را که شامل مجموع نقاط مثبت سایر ایدئولوژی‌های انقلابی زمانه نیز بود، در چهارچوب حکومت دینی در دنیای مادی‌گرای معاصر مطرح نمود »^۴. با پیروزی انقلاب و استقرار نظام سیاسی مبتنی بر اسلام، همه مسلمانان جهان،

^۱. رضوان السید، *اسلام سیاسی معاصر در کشاکش هویت و تجدد*، ترجمه مجید مرادی، تهران؛ مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۳، ص ۴۵.

^۲. پیشین، ص ۲۷.

^۳. شیخ شرف حسامی، (استاد حوزه عملیه سنندج)، سخنرانی در مراسم تجمع علماء مسلمین در بیروت، هتل الساحه، چهارشنبه ۲۶ / ۲ / ۱۳۸۶.

^۴. مصطفی ملکوتیان، پیشین، ص ۲۶۸.

هویتی تازه یافتند و احساس عزت و شخصیت اسلامی در آنان دمیده شد^۱ و در نتیجه، کوششی که در طول ده‌ها سال قدرت‌های استعماری و استکباری برای تحقیر مسلمانان به کار برده بودند، نقش بر آب گشت و در تمام عالم گرایش به اسلام رشد و گسترش یافت و حتی اسلام‌گرایان تا بدان‌جا پیش رفتند که در صدد تشکیل حکومت اسلامی در برخی از کشورها برآمدند.^۲

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی، به گسترش موج بیداری اسلامی و تقویت نهضت‌های رهایی‌بخش در سراسر جهان اسلام کمک کرد. این انقلاب اسلامی نه تنها هویت اسلامی مسلمانان در لبنان را رویاروی غرب‌گرایان، به‌ویژه مسیحیان و مارونی‌ها تقویت کرد؛ بلکه هویت یابی مجدد امت اسلامی در پرتو خیزش و نهضت بیداری اسلامی منبعت از انقلاب اسلامی، یکی از دلایل جذابیت این انقلاب برای شیعیان لبنان بوده است.^۳ به جرئت می‌توان گفت که عامل اصلی تقویت جنبش امل پس از ناپدید شدن امام موسی صدر^۴ و یکی از دلایل اولیه تفکر و ایدئولوژی تأسیس حزب الله، ناشی از ایدئولوژی اسلامی بوده است؛ چه این که آنها بیش از سایر مسلمانان و شیعیان جهان از آموزه‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی استقبال کردند و دفاع از انقلاب و آرمان‌های آن را مقدس می‌شمردند.

۲. رواج اسلام انقلابی

در تاریخ تفکر سیاسی اسلام، در بحث معارضه با حاکمان ستمگر دو نوع نگرش وجود داشته است: یکی، موضع تسلیم‌گرایانه و دیگری، موضع مبارزه

^۱ . جمیله کدیور، *روبارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا*، تهران؛ نشر اطلاعات، ۱۳۷۹، ص ۱۰۱

^۲ . نمونه بارز آن را در کشورهایی نظیر ترکیه، الجزایر، و مصر شاهد بودیم و هر چند که این اقدامات با سرکوب مواجه شدند؛ ولی این موجی بود که بر اثر انقلاب اسلامی ملت ایران ایجاد شد.

^۳ . جعفر خوشروزاده، « هویت یابی مجدد امت اسلامی »، روزنامه جام جم، ۲۱/۱۱/۱۳۸۵.

^۴ . گرچه جنبش امل با جنگ داخلی ضعیف شد؛ ولی در اواخر دهه ۱۹۷۰ دو واقعه بسیار مهم رخ داد که سرنوشت شیعیان را به شدت تحت تأثیر قرار داده و باعث شد که مجدداً شیعیان (جنبش امل) دوباره در صحنه سیاسی لبنان قدرت بگیرند: اولی ناپدید شدن امام موسی صدر و دومی پیروزی انقلاب اسلامی ایران که تا حد بی سابقه‌ای آگاهی سیاسی شیعیان را افزایش داده و مجدداً به آنها هویت بخشید.

Deeb, Marirus, " Lebanon : prospects for national reconciliation in the MID - ۱۹۸۰", Middle East Journal No ۲, p . ۲۶۸ .

جویانه. روزگاری سرزمین مصر، خیزش سیاسی خاصی در رواج اسلام انقلابی داشت و نمونه آن حرکت سید قطب و جنبش اخوان المسلمین بود؛ ولی با گسترش افکار انقلابی مارکسیستی در جهان، در طی چند دهه حرکت انقلابی تقریباً در اختیار گروه‌های مارکسیستی و چپ بود.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی، دنیا وارد دور تازه‌ای گردید و شکل‌گیری وضعیت جدید باعث شده بود که قدرت‌های جهانی - که تا آن زمان در نزاع لیبرالیسم و مارکسیسم در دو جبهه مقابل هم قرار داشتند - به ابهت اسلام انقلابی پی‌برند. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بیشترین دغدغه غرب در جهان اسلام و کشورهای مسلمان، ترس از حرکت‌های ناسیونالیستی و جنبش‌های روشن‌فکری بود که غالباً تحت تأثیر ایدئولوژی رقیب قرار می‌گرفتند،^۱ لذا آنها از حرکت‌های اسلامی هراسی نداشتند. شرایط زمانی به گونه‌ای بود که برای سرنگونی یک رژیم، بیش از این که احساسات یا ایدئولوژی لازم باشد، به نظر می‌رسید که انقلابیون نیاز به اسلحه داشته باشند، در حالی که در فرآیند انقلاب اسلامی ایران، انقلابیون با تکیه بر اسلام انقلابی و بدون توسل به مبارزه مسلحانه، در مقابل رژیمی کاملاً مسلح، صف‌آرایی کردند. لذا مبارزه انقلابیون مسلمان علیه سلطه مورد حمایت همه جانبه قدرت‌های بزرگ جهانی، موجب مطرح شدن معیارهای جدیدی شد و پیروزی انقلاب اسلامی ایران کارایی اسلام در قرن حاضر را نشان داد. «این در حالی بود که جهان اسلام، ایدئولوژی‌های معاصر هم چون ملی‌گرایی، لیبرالیسم غرب و سوسیالیسم نظامی و یا مارکسیسم سنتی را تجربه کرده بود. اما این بار انقلاب اسلامی ایران، اسلام انقلابی را عرضه کرد، یعنی چیزی که مسلمانان را توان می‌داد تا در پرتو آن، آزادی خویش را به دست آورده و در مقابل استعمار، صهیونیسم، سرمایه‌داری و نژاد پرستی ایستادگی کنند».^۲ سرنگونی رژیم شاه، موفقیت‌هایی را که یک جنبش مردمی و سازماندهی شده با انگیزه‌های دینی

۱. جرجیس، فواز. ای، آمریکا و اسلام سیاسی، ترجمه سیدمحمدکمال مسروریان، تهران؛ پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۵، ص ۸۹.

۲. حسن حنفی، «اسلام سیاسی»، ترجمه محمد حسن معصومی، مجله حکومت اسلامی، سال دوم، شماره اول، بهار ۱۳۷۶، شماره پیاپی ۳، ص ۲۱

می توانست بدان دست یابد، ثابت کرد و عملاً پیروزی اسلام انقلابی در ایران همه نگاه‌ها را در جهان اسلام به خود جلب کرد واز این راه، نیروهای مبارز و آزادی خواه به این نتیجه رسیدند که برای مبارزه با استکبار، نیازی به سایر مکاتب ندارند و می‌توانند با توسل و تمسک به اسلام، استکبار را شکست دهند^۱. آوازه انقلاب اسلامی ایران و آموزه‌های آن از اتحاد بین رهبری و مبارزه مردمی، مبارزان کشورهای ستمدیده را بر آن داشت که با الگو قرار دادن انقلاب اسلامی ایران، به اسلام‌گرایی و استعمارزدایی در جهان، به خصوص جهان اسلام بپردازند. پس از پیروزی انقلاب، گروه‌های دینی - انقلابی زیادی در کشورهای اسلامی پدید آمدند که از جمله مهم‌ترین این کشورها لبنان بود که عملاً این انقلاب به اعتماد به نفس در میان جامعه شیعه لبنان انجامید؛ بدان خاطر که « پیروزی انقلاب اسلامی ایران و سقوط حکومت طاغوت، تعادل قوا را به هم زده و راه پیروزی مردم را علیه استعمار هموار کرد. به شیعیان محروم لبنان قدرت و جرات داد که با اتکا به اسلام علیه همه طاغوت‌ها ایستاده و بجنگند »^۲ تا این که به جای گاه و حقوق واقعی خود در جامعه لبنان دست یابند. اندیشه‌های امام خمینی که مبتنی بر احیای اسلام انقلابی بود، روح تازه‌ای را در تار و پود حرکت‌های آزادی‌خواهانه شیعیان لبنان دمید که شکل‌گیری جنبش امل اسلامی و حزب الله را باید یکی از مهم‌ترین ثمرات اندیشه‌های انقلابی امام خمینی و انقلاب اسلامی ایران در لبنان دانست. در این زمینه «سید محمد حسین فضل الله» از علمای بزرگ لبنان می‌گوید: «انقلاب اسلامی ایران توانست اعتماد به نفس قابل ملاحظه را در مسلمانان زنده کند و آنان دریافتند مکتب اسلام قادر است تحرک سیاسی لازم را برای حل مشکلاتشان فراهم سازد. لذا به مسلمانان توصیه می‌کنیم فکر و اندیشه امام امت را سرلوحه مبارزات ضد استکباری خود قرار دهند»^۳.

^۱. محمد حسن قدیری ایبانه، «تحلیل اوضاع لبنان و خاورمیانه جدید و تأثیر آن بر ایران»، خبرگزاری آینده روشن، ۷/ ۵/ ۱۳۸۵.

^۲. مصطفی چمران، پیشین، ص ۴۱۲.

^۳. بی‌نا، «امام از نگاه جهان»، مجله حضور، ش ۱، خرداد ۱۳۷۰، ص ۴۹.

۳. گسترش اسلام سیاسی

اسلام سیاسی، اصطلاحی است که برای اختصار تنوع نظریات سیاسی در جامعه اسلامی به کار می‌رود و این اصطلاح به معنای « احیای امت و تجدید فکر اسلامی جهت تقویت مسلمانان » است.^۱ در حال حاضر این اصطلاح به معنای جنبش‌های اسلامی است که به امور سیاسی مشغولند.^۲

اسلام سیاسی در قرن بیستم توسط بسیاری از گروه‌ها از جمله اخوان المسلمین در حال گسترش بود، ولی به اعتراف صاحب نظران، به استثنای ایران، اسلام سیاسی در هیچ کشوری نتوانست تغییر عمیق در صحنه سیاسی پدید آورد.^۳ انقلاب اسلامی شیعی ایران، به عنوان راهنمای عمل انقلابیون جلوه‌گر شد و آنها با ایده اسلام سیاسی و بسیج مردم علیه حکومت، توانستند به پیروزی دست یابند و پیروزی انقلاب مایه تعجب همگان شد؛ چرا که با معادلات جهان غرب مطابقت نداشت؛ آنان در وضعیت موجود جهانی، انقلاب مذهبی را نا ممکن می‌پنداشتند و بدین ترتیب، بعد از پیروزی نیز از این انقلاب وارونه نشان دادند و آن را نوعی واپس‌گرایی و حرکت فقه‌رایی تفسیر کردند.

انقلاب اسلامی ایران ضمن تأسیس نظام برخاسته از اسلام و اجرای اصول اسلامی در تشکیل حکومت و نفی گفتمان‌های غربی حاکم بر ساختار نظام بین‌الملل، غرب را تنها به لحاظ فنی و صنعتی بر جهان اسلام برتر می‌دانست، اما آن را از نظر اخلاقیات در پرتگاه نابودی می‌دید و نظام سیاسی حاکم بر جهان را - که مبتنی بر جدایی دین از سیاست بود - طرد می‌کرد. انقلابیون ایرانی با توجه به ایدئولوژی جهان شمول خود، احیای هویت اسلامی، مبارزه با ناسیونالیسم و برقراری اتحاد جهان اسلام در برابر غرب را از اهداف اساسی خود قرار داد. از این رو، انقلاب ایران، به تهدیدی برای نظام سلطه جهانی و منافع ابرقدرت‌ها تبدیل شد؛ چه این‌که گفتمان اسلام سیاسی و اسلام‌گرایی، گفتمان

۱ محمد عمار، الاسلام السياسي و التعددية السياسية من منظور الاسلامی، ابوظبی؛ مرکز الامارات للدراسات والبحوث الاستراتيجية، ۲۰۰۳، ص ۷

۲ همان.

۳. الیویه روره، شکست اسلام سیاسی، ترجمه عبدالکریم خرم، پیشاور؛ نشر مصطفی سحر، ۱۹۹۵، ص

۲.

جهانی را- که در طول دوپست سال سازماندهی شده بود- غیر سودمند به شمار آورد و در این راستا ضمن احیای ارزش‌های اسلامی، در صدد القای تفکر اسلام سیاسی در سراسر جهان برآمد. حتی در میان مسلمانان اروپا نیز به اعتراف برخی از اندیشوران مسلمان همچون احمد هوبر، امام خمینی با طرح ابعاد واقعی اسلام، اندیشه‌سیاسی را میان مسلمانان ایجاد کرد و بسط داد.^۱ از این رو، هراس غرب از اسلام و جدایی نا پذیر بودن دین و سیاست، تنها ناشی از ریشه‌های مذهبی آن نیست؛ بلکه بیشتر ناشی از ریشه‌های سیاسی اسلام بود که غرب را به وحشت افکنده است.^۲

تضاد منافع غرب با ایران باعث شد آنها تحت عنوان «بنیادگرایی اسلامی» در مقابل تحولات جدید موضع‌گیری کرده و این روند را تهدیدی برای منافع خود بدانند و به این نتیجه رسیدند که باید اسلام‌گرایان سیاسی را سرکوب کنند. به همین دلیل، آمریکا با حمایت از رژیم‌های سکولار در خاورمیانه و رسانه‌های خود، تبلیغات گسترده‌ای را به راه انداخت تا بتواند جلوی گسترش اسلام سیاسی شیعی در منطقه و جهان را بگیرد. با این حال، اندیشه‌های امام خمینی- که مبتنی بر احیای اسلام سیاسی بود- تأثیر شگرفی بر تغییر نگرش، استراتژی مبارزاتی و ایدئولوژی آزادی‌خواهان مسلمان داشته و افق‌های تازه‌ای به روی مسلمان، به‌ویژه شیعیان جهان گشوده است. پس از انقلاب، شیعیان که تا سه دهه قبل از انقلاب حتی از سوی اعراب، مسلمان به شمار نمی‌آمد، به عنصری اثرگذار در تحولات منطقه‌ای و جهانی تبدیل شدند. انقلاب ایران با ایجاد نوعی بیداری، تأثیر به‌سزایی داشته و سبب قیام‌هایی در برخی از کشورها علیه حکام شده‌است که یکی از نمونه‌های بارز آن در لبنان است. بعد از پیروزی انقلاب، گروه‌های اسلامی شیعه در لبنان، مانند جنبش امل اسلامی و حزب الله و حتی گروه‌های اسلامی سنی، مانند جنبش توحید اسلامی، تحت تأثیر مستقیم انقلاب ایران رشد کرده و انقلاب ایران را الگویی برای خود قرار دادند.^۳

^۱ احمد هوبر، «دستاوردهای انقلاب اسلامی در جهان امروز»، مجله حضور، شماره ۱، خرداد ۱۳۷۰، ص ۷۶.

^۲ فوازی جرجیس، پیشین، ص ۲۸.

^۳ هانی فحص، شیعة لبنان: الرقم الصعب محلیاً وإقليمياً، پیشین، همان.

آمیختگی تشیع با سیاست در لبنان گرچه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با پیدایی جنبش امل توسط امام موسی صدر همراه بود، با ناپدید شدن وی، این جنبش عملاً در مسیر ملی‌گرایی لبنانی هدایت شده و افرادی همانند نبیه بری «گرچه انقلاب اسلامی ایران را مایه سرافرازی و افتخار شیعیان لبنان می‌دانستند؛ ولی معتقد بودند که نسخه شفا بخشی برای حل مشکلات جامعه طایفه‌ای لبنان نیست»^۱. این جهت‌گیری‌ها در نهایت با مخالفت ناراضیان «امل اسلامی» روبه‌رو شد و این گروه آشکارا با تأثیرپذیری از افکار انقلابی ایران، از اندیشه‌های «پان اسلامیسیم» رایج در اوایل انقلاب اسلامی ایران حمایت کردند. هم‌چنین حزب الله لبنان مانند سایر گروه‌های شیعه در لبنان، نیروی نظامی صرف در لبنان نبود؛ بلکه نماینده اسلام سیاسی و تجلی عینی اندیشه‌های سیاسی شیعی امام خمینی بود.^۲

نکته مهم این است که انقلاب اسلامی ایران که در قالب نظریه ولایت فقیه و حکومت جمهوری اسلامی ایران تجلی یافت، مورد قبول همه گروه‌های شیعی لبنان نبود، لذا به عامل اساسی اختلاف شیعیان لبنان تبدیل شد؛ چرا که برخی از حرکت‌های اسلامی بر اساس ولایت فقیه، از رهبری سیاسی و مذهبی انقلاب اسلامی ایران پیروی می‌کردند و در طرف مقابل، نخبگان زیادی از شیعیان بودند که به دلیل عدم وجود اکثریت مورد نیاز برای اجرای این الگوی حکومت در جامعه طایفه‌ای لبنان، پایبندی بیشتری به الگوهای محلی از خود داشتند. مهم‌ترین گروه‌های شیعه در لبنان که به پیروی از ولایت فقیه معتقدند، جنبش حزب الله و جنبش امل اسلامی می‌باشند و از آن‌جا که در سال ۱۹۸۲م. جنبش امل اسلامی با جدا شدن از جنبش امل، به جنبش حزب الله پیوست، به بررسی نحوه اعتقاد و عمل حزب الله بر مبنای نظریه ولایت فقیه می‌پردازیم. ویژگی اصلی حزب الله در مقایسه با گروه‌های اسلام‌گرای شیعه در جهان عرب، پذیرش کامل نظریه ولایت فقیه و رهبری امام خمینی است. پذیرش این

۱. مسعود اسداللهی، پیشین، ص ۴۹.

۲. مصاحبه نگارنده با شیبانی سفیر جمهوری اسلامی ایران در بیروت؛ محل سفارت ایران در بیروت، جمعه، ۲۸ / ۲ / ۱۳۸۶.

نظریه بر تمامی ارکان، تشکیلات و دیدگاه‌های حزب الله تأثیر گذاشته و از عوامل اصلی ادغام مجموعه‌های کوچک اسلام‌گرای لبنان در سال ۱۹۸۲م. و تشکیل حزب الله است^۱. با پذیرش اندیشه امام خمینی به عنوان یگانه مصدر حاکمیت قانونی در حزب الله، این حزب علاوه بر عمل به فرامین امام خمینی، در پی تأسیس حکومت اسلامی مشابه جمهوری اسلامی در لبنان برآمدند. در این زمینه « حسین موسوی (ابوهشام) » از سران پیشین حزب الله می‌گوید: « ما در سطح سیاسی، عقیدتی و مذهبی تابع عقاید و نظریات امام خمینی هستیم»^۲. هم چنین سید حسن نصرالله در باره پیروی حزب الله از رهبری امام خمینی می‌گوید: « از نظر ما امام خمینی، مرجع دینی، امام و رهبر به تمام معنای کلمه می‌باشد، همان‌گونه که هر رهبر بزرگ دینی در هر کیشی در جهان این‌گونه است. اما امام برای ما بیش از این است. ایشان سمبل و نماد انقلاب علیه طاغوت‌ها و مستکبران و نظام‌های استبدادی می‌باشد»^۳. نعیم قاسم، معاون فعلی حزب الله نیز یادآوری می‌کند: « امام خمینی به عنوان ولی امر مسلمین، علاوه بر مدیریت دولت اسلامی ایران، به وظایف سیاسی عموم مسلمین جهان، در دشمنی با استکبار و استقلال درونی و وحدت کشورهای مسلمان از سلطه غارت‌گران مستکبر رسیدگی می‌کند»^۴.

اطاعت و پیروی حزب الله از ایران و امام خمینی باعث شده بود که در لبنان و سایر کشورها حتی از سوی برخی از سران سیاسی شیعه، همچون نبیه بری، این حزب را «آلت دست ایران» قلمداد کنند. در مقابل، رهبران حزب الله نیز با رد این ادعا معتقد بودند که گرچه « آنها خود را از انقلاب اسلامی جدا ندانسته و از فرامین امام خمینی مبنی بر آزادی بیت المقدس پیروی کرده و خود را ملزم

^۱. مسعود اسداللهی، جنبش حزب الله لبنان؛ گذشته و حال، تهران؛ پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۴.

^۲. السفیر، ۵ می ۱۹۸۴.

^۳. مسعود اسداللهی، پیشین، ص ۱۷۵.

^۴. نعیم قاسم، حزب الله لبنان: خط مشی، گذشته و آینده آن، ترجمه محمد مهدی شریعتمدار، تهران؛ انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۳، ص ۸۰ - ۸۱.

به اطاعت از ایشان می‌دانند»^۱ تعارضی با اهتمام به مسائل ملی لبنان ندارد. از آن‌جا که همه مأموریت‌ها از طریق شخص ولی فقیه در جزئیات امکان پذیر نبوده، لذا ایشان آن را به افراد، نهادها و ... واگذار نموده و آنها در اقدامات اجرایی استقلال دارند و حزب الله نیز به عنوان یک حزب لبنانی، به تمامی مسائل کشور لبنان در عرصه‌های جهادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی توجه داشته و در عین حال، حامل پرچم اسلام می‌باشد.^۲

در کنار حزب الله، گروه‌های شیعی دیگری نیز وجود دارند که با وجود اعتقاد به هماهنگی با ایران، خط مشی مستقلی در برابر ولایت فقیه و نوع حکومت در لبنان داشتند. مجلس اعلای شیعیان لبنان از جمله این تشکل‌ها بود. «آیت الله شمس الدین» رئیس سابق این مجلس در پاسخ به پیشنهاد تشکیل جمهوری اسلامی در لبنان می‌گوید: «به نظر من این طرح برای لبنان و در این شرایط طرحی است غیرواقعی. در جامعه لبنان برای این که به صورت یک کشور متحد درآید، لازم است که کل نظام سیاسی لبنان دگرگون شود و از نو و براساس رأی هر فرد به عنوان شهروند و هم‌وطن و نه به عنوان وابستگی او به طایفه و مذهب خاصی برقرار شود. به نظر ما این طرح در این دوران می‌تواند حلال مشکلات و تنها روش مقبول در لبنان باشد. من از این روش سیاسی به عنوان نظام دموکراسی فردی که بر مبنا و پایه شورا و تبادل نظر برپا باشد یاد می‌کنم»^۳.

علاوه بر وی، آیت الله محمد حسین فضل الله نیز با اذعان به اهمیت نقش ایران، تصریح کرده است که «جمهوری اسلامی ایران را در لبنان باید هدفی دانست که در آینده قابل پیش بینی، غیر ممکن است»^۴.

با وجود دیدگاه‌های فوق میان شیعیان، ایجاد وضعیت جدید در لبنان که هم‌زمان با تغییرات بین‌المللی و اصلاح دیدگاه‌های رادیکال ایران در دوره

۱. پیشین، ص ۸۱.

۲. پیشین، ص ۸۲.

۳. محمد قوجانی، «جغرافیای تاریخی شیعیان؛ اتحاد شیعیان ایران و لبنان»، روزنامه شرق، ۵/۵/۱۳۸۵.

۴. جان ال اسپوزیتو، پیشین، ص ۱۲۲.

هاشمی رفسنجانی بود، رهبران حزب الله لبنان نیز تصمیم گرفتند با تعدیل در عمل کرد خود، ارتباط نزدیکی با جنبش امل و مجلس اعلای شیعه برقرار کنند. لذا این حزب با درک مقتضیات و شرایط تازه سیاسی لبنان، به دورشدن از رنگ و لعاب ایرانی گرایش یافت و در مقابل به لبنانی شدن مبادرت ورزید. در این باره «نجفعلی میرزایی» رایزن فرهنگی سابق ایران در لبنان اظهار می‌کند که به تدریج «اهداف کوتاه مدت سیاسی جریان‌های ارزشی و طرفدار ایران، عقلانی شده و شعارهای داغ و انقلابی سال‌های گذشته درباره ضرورت برپایی جمهوری اسلامی در لبنان، جای خودش را به تلاش‌های سیاسی برای استحکام دادن به پایگاه ملی و جای گاه فراگروهی در حزب الله داده است».^۱ آنها با این اقدام سعی کوشیدند ضمن حفظ ماهیت اسلامی و شیعی خود در جامعه لبنان، با تعدیل مواضع خود در مورد مسائل داخلی لبنان، اتهام ایرانی بودن را از خود دور سازند تا بتوانند هم بر شیعیان نفوذ بیشتر یابند و هم در جامعه لبنان مشروعیت به دست آورند.

۴. ارتقای جای گاه سیاسی-اجتماعی شیعیان

شیعیان در جامعه لبنان با وجود این که از لحاظ جمعیت در اکثریت بودند، به دلیل عدم آگاهی از امور و حقوق خود عملاً نسبت به سایر ادیان در محرومیت به سر می بردند. تجدید حیات شیعیان و رشد آگاهی در میان آنها توسط امام موسی صدر جرقه خورده بود و به برکت فعالیت اثرگذار وی برای شیعیان، آنها توانستند به مجلس مستقل در جامعه لبنان دست یابند و از یوغ فئودال‌های شیعه جدا گردند. گرچه با ناپدید شدن امام موسی صدر، شیعیان با مشکل بزرگی مواجه شدند؛ ولی آگاهی ایجاد شده توسط وی زمینه تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران را برای شیعیان فراهم کرد و از آن جا که آنها سال‌ها طعم تلخ مظلومیت و محرومیت را کشیده بودند، بیش از همه ملت‌های مستضعف جهان، از پیروزی یک انقلاب شیعی با داعیه استکبار ستیزی و مبارزه با استعمار، استقبال و از آن حمایت کردند. آنها این انقلاب را مایه امید خود برای رسیدن به

^۱. نجفعلی میرزایی، «مبانی و اصول بنیادین طرح راهبردی لبنان»، قم؛ سازمان حوزه‌ها و مدارس خارج از کشور، مرکز اسناد سازمان، ۱۳۷۹، ص ۱۸.

جای گاه خود در جامعه لبنان می‌انگاشتند و این امید تا بدان جا بود که مصطفی چمران می‌گوید: «اگر پیروزی انقلاب اسلامی ایران نبود، زندگی بر مردم شیعه لبنان محال می‌شد. مردم لبنان به انقلاب ایران چشم دوخته و به‌خصوص مردمی که زیر گلوله‌های اسرائیل و زجر شکنجه استعمار بودند، ارزش انقلاب ایران را دانسته و بزرگ‌ترین تظاهرات را در لبنان در پشتیبانی از انقلاب اسلامی انجام دادند»^۱.

گروه‌ها و جریان‌های سیاسی مختلف شیعه با افتخار به این انقلاب، پیشرفت خود را مدیون این انقلاب می‌دانند، گرچه این انقلاب موجب شکل‌گیری اختلافاتی میان جریان‌ها و گروه‌های سیاسی شیعی شد؛ طایفه شیعه با توجه به حمایت مستقیم از سوی یک کشور به پیشرفت‌هایی دست یافت که قبل از این انقلاب، از طوایف دیگر-که حامی خارجی داشتند- عقب مانده تر بود؛ تا حدی که «شیعیان در جامعه لبنان اصلاً جزو شهروندان عادی محسوب نمی‌گردیدند؛ بلکه سایرین خود را ارباب شیعیان دانسته و لذا آنها حتی شهروند درجه چندم نیز به شمار نمی‌رفتند»^۲؛ ولی به برکت شکل‌گیری هویت مستقل شیعی ناشی از گسترش بیداری اسلامی و اسلام انقلابی توانستند به جای گاه بهتری در مقایسه با قبل دست یابند. افزون بر آن، کنارگذاشتن اختلافات جنبش‌های امل و حزب الله نیز باعث شد شیعیان لبنان به یکی از قدرت‌مندترین طیف سیاسی این کشور تبدیل شوند. جنبش امل به قدرتی سیاسی تبدیل شد و حزب الله لبنان نیز به عنوان یک حزب شیعی، با تکیه بر مقاومت برگرفته از نمادهای شیعی و الگوی انقلاب اسلامی، یک گروه با نفوذ و فعال در صحنه لبنان به شمار آمده و علی‌رغم خلع سلاح تمام شبه‌نظامیان لبنان پس از پیمان طائف، این حزب در جنوب لبنان حضور مسلحانه قدرت مندی دارد. هم‌چنین با وارد شدن به عرصه سیاست، حضور موثری در مجلس لبنان داشته و پس از پایان جنگ با حفظ آمادگی نظامی و جنگی، به عنوان یک حزب سیاسی، حالت پویا و فعال به خود گرفته است و در عرصه اجتماعی نیز برای بازسازی آنچه در طول جنگ

^۱. مصطفی چمران، پیشین، ص ۴۰۸.

^۲. مصاحبه نگارنده با نجفعلی میرزایی، رایزن فرهنگی قلی ایران در لبنان، قم.

تخریب شده بود، عزم خود را جزم کرده و با ایجاد نهادهای مختلف اجتماعی در لبنان، به خانواده‌های جنوب لبنان و حتی مسیحیان مقیم مناطق جنگی - که در طول جنگ متحمل خسارت‌های فراوانی شده بودند - کمک کرد. با این حال هنوز شیعیان نسبت به جمعیت خود فرصت‌ها و امکانات سایر طوایف در جامعه لبنان به جای گاه واقعی خود در لبنان دست نیافته‌اند و از ورود به ارتش ملی و برخی از مناصب اداری محروم‌اند و برای جبران این کمبود، جنبش حزب الله و امل خود ارگان‌هایی را تأسیس کرده‌اند که شیعیان زیادی در آنها مشغولند و به تدریج از لحاظ جای گاه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در حال رشدند؛ به گونه‌ای که «در حال حاضر هیچ یک از طوایف و حاکمان، همانند گذشته دیگر نمی‌توانند حقوق آنها را نادیده بگیرند و جای گاه آنها به حدی رسیده است که می‌توان ادعا کرد رسیدن به هرگونه اتفاق نظر بدون جلب نظر شیعیان ممکن نمی‌باشد»^۱. آنها بسیاری از این موفقیت‌ها را مرهون حمایت‌های معنوی، مادی و نظامی ایران هستند. «شیخ علی یاسین» یکی از علمای فعال، در این خصوص می‌گوید: «اگر حمایت ایران نبود، ما به پنجاه سال وقت نیاز داشتیم تا به دست آوردهای فعلی نایل گردیم»^۲.

۵. گسترش نماد گرایی شیعه (فرهنگ مقاومت، جهاد و عملیات

شهادت طلبانه)

شیعیان همواره در طول تاریخ، مبارزه با فساد و ظلم را در چارچوب اعتقادی خود قرار داده‌اند و قیام را مقدمه‌ای برای انقلاب جهانی موعود می‌دانند.^۳ شیعه با این نگرش، مشروعیت هر حاکم ستم‌گر را زیر سوال می‌برد و خواستار برپایی حکومت موعود است. از دیدگاه بسیاری از شیعیان، تشکیل حکومت، مقدمه حکومت موعود است و در میان جریان‌های سیاسی شیعی، نخستین بار مرحله عملی این نگرش در انقلاب اسلامی ایران بارور شد. این انقلاب ارزش‌های نوی همچون «جهاد»، «مبارزه با ظلم» و «شهادت» را در مبارزه

^۱. مصاحبه نگارنده با دکتر شیبانی سفیر ایران در لبنان، پیشین.

^۲. النهار، ۱۱ دسامبر ۱۹۸۶.

^۳. محمدجواد صاحبی، اندیشه اسلامی در نهضت‌های اسلامی، تهران؛ انتشارات کیهان، ۱۳۷۰، ص ۲۵.

سیاسی جنبش‌های اسلامی مطرح کرد که بر مبنای آن به دستیابی حقوق خود مبادرت ورزیدند. از جمله جنبش‌های تأثیر پذیر از انقلاب اسلامی ایران در این زمینه، جریان‌های سیاسی شیعی در لبنان هستند که بی توجهی حکام لبنان به شیعیان، از علل اصلی گرایش آنها به اقدام جمعی با هدف احیای حقوق از دست رفته‌شان بوده است و این عقیده، شیعه را در لبنان به یک گروه مبارز تبدیل کرده است. با احیای هویت از دست رفته آنها به وسیله انقلاب اسلامی ایران، آنها خواهان دستیابی به خواسته‌های پایمال شده خود بودند. گرچه بنابر نظر برخی، احتمال استفاده از روش دیپلماسی و سیاسی جهت رسیدن به اهداف شیعیان لبنان وجود داشته است، از دیدگاه شیعیانی همانند حزب الله، این روش در شرایط نابرابر فایده نداشت و لذا شیعیان تنها راه خروج را تکیه بر شهادت طلبی جوانان و اثبات کارآیی فرهنگ شیعه دیدند.^۱

الگوی مقاومت متأثر از انقلاب اسلامی ایران در لبنان، تنها چند روز پس از تهاجم ارتش اسرائیل به وسیله عده‌ای از جوانان شیعه محقق شد و آنها توانستند با سلاح‌های سبک، دروازه جنوبی شهر بیروت را به روی نیروهای اسرائیلی ببندند. آن روزها جوانانی که خود را «پیرو امام خمینی» معرفی می‌کردند،^۲ اعلام نمودند که این نهضت اسلامی ایران است که انرژی مقاومت آنها را صد چندان می‌کند. تجاوز پی در پی نیروهای اسرائیلی به خاک لبنان، نیازمند واکنش سریع نظامی - سیاسی بود؛ اما در آن سال‌ها که شیعیان جنوب لبنان سخت دچار تشقت و چندگانگی بودند و تنها اندیشه مقاومت در برابر تجاوز اسرائیل باعث می‌شد که افراد جامعه بسیج شوند. لذا نخستین جرقه‌های مقاومت بیه دست گروه‌های شیعی در شهر بعلبک به وجود آمد که آرام آرام به تشکیلات قدرت مند واحدی تبدیل شد. با گسترش گفتمان مقاومت میان جوانان شیعه از سوی پاسداران ایران در بعلبک، پس از مدتی با ادغام مجموعه‌های کوچک اسلام‌گرای شیعه، زمینه تأسیس تشکیلات واحدی به نام حزب الله لبنان فراهم شد. تشکیلات اسلام‌گرا بدین نتیجه رسیده بودند که به

^۱. نعیم قاسم، پیشین، ص ۷۱ و ۷۲.

^۲. مسعود اسداللهی، از مقاومت تا پیروزی، ص ۵۴.

دلیل عدم کارآیی گروه های موجود لبنانی، باید با استفاده از تجارب و موفقیت های انقلاب اسلامی ایران در تشکیلات جدید، تئوری های اسلامی را محقق سازند^۱. لذا مفاهیم جدیدی را وارد عرصه سیاسی لبنان کردند که در رأس آنها « شهادت » و « مقاومت » بود. بهره برداری حزب الله از نمادهای مذهب شیعه، برای انتقال پیام های انقلابی و رادیکال، جلوه دیگری از تأثیر پذیری این حزب از انقلاب اسلامی ایران به شمار می آید.

استفاده از نماد هایی همچون « عاشورا »، « شهادت امام حسین »، « قیام مهدی موعود » و ...، حزب الله را در انتقال پیام های مربوط به جهاد، شهادت، استقامت و تحمل مشکلات و مصائب، توان مند ساخت. نماد گرایی حزب الله و استفاده از سمبل های مذهب شیعه باعث می شد افراد با پیوستن به این حزب، از لبنانی بودن یا عضو یک طایفه محروم بودن در کشوری که به وسیله جنگ میان طوایف مختلف و متعدد، پاره پاره شده بود، دست بردارند. بدین ترتیب، یک روستایی فقیر و یا جوان فقیر شیعه ساکن حومه جنوبی بیروت، از طریق حزب الله تبدیل به یک مسلمان انقلابی می شد، که عضو یک جامعه دینی - سیاسی گسترده و سربازی در یک جنبش جهانی به رهبری امام خمینی برای پیروز ساختن اسلام بر کفر جهانی به شمار می آمد و بدین وسیله کاربرد خشونت از سوی اعضای حزب نه تنها نامشروع نبود، بلکه مقدس به شمار می آمد و شرط ضروری دستیابی به اهداف متعالی قلمداد می شد و مقاومت در برابر نیروهای اشغال گر نیز از یک وظیفه ملی به « جهاد در راه خدا » ارتقا می یافت و عملیات جهادی حزب الله و جهاد اسلامی از این به بعد به طور مستمر، روحیه مقاومت و مبارزه را در لبنان تشدید می کرد و به تدریج آنها نیرویی عمده مطرح می شدند که موجودیت و منافع اسرائیل را به خطر می اندازند و این، همان هدفی بود که امام خمینی در مبارزه با اسرائیل به عنوان « غده سرطانی » دنبال می کرد.

جرقه های مقاومت در جنبش حزب الله که متأثر از ایدئولوژی امام خمینی بود، روز به روز گسترش می یافت و استراتژی مقاومت و مبارزه، معنای ژرفی

^۱. بی نام، « حزب الله از تشکیل تا پیروزی »، روزنامه رسالت، ۱۸ / ۳ / ۱۳۷۹.

یافته بود و نحوه جدیدی از مقاومت در قالب « عملیات شهادت طلبانه » افق جدیدی را در مبارزه گشوده بود که مهم ترین عملیات های شهادت طلبانه حزب ... در آن مقطع، نابود کردن مقر فرماندار نظامی ارتش اسرائیل در شهر « صور » به وسیله « احمد قصیر » در نوامبر ۱۹۸۲م. بود که طی آن عملیات، ۷۶ افسر و سرباز اسرائیلی کشته شدند. هم چنین در نوامبر ۱۹۸۳م. حزب ... عملیات شهادت طلبانه ای را در یکی از مقرهای اصلی نظامیان اسرائیلی انجام داد که به کشته شدن ۲۹ افسر و سرباز اسرائیلی انجامید.

این عملیات ها، نخستین واکنش شدید در برابر اشغال و ادامه آن به شمار می آمد و بیان گر کارزاری بود که ارتش اسرائیل از آن پس در لبنان با آن مواجه می شد و این وضع نشان می داد که نوع دیگری از مقاومت پدید آمده است. این اقدام ها تنها به مبارزه علیه اسرائیل محدود نمی شد؛ بلکه به تقابل با سایر نیروهای چند ملیتی در لبنان - که از دیدگاه حزب الله اشغال گر محسوب می شدند- سرایت کرد و مهم ترین این عملیات ها، انفجار در مقر تفنگ داران دریایی آمریکا در سال ۱۹۸۳ بود که منجر به کشته شدن ۲۴۱ آمریکایی شد و این عملیات « بدترین حادثه پس از جنگ ویتنام برای نظامیان آمریکایی » محسوب می شد.^۱ هم زمان با این انفجار، بمبی در ساختمان تفنگ داران فرانسوی عضو نیروهای چند ملیتی نیز منفجر شد که ۵۸ چتر باز کشته شدند. این در شرایطی بود که از پایان جنگ الجزایر در ۲۲ سال قبل از این حادثه تا آن زمان، بدترین ضربه نظامی برای فرانسویان بود.^۲ نیروهای اسلام گرا علاوه این حملات، مسئولیت انفجار در سفارت آمریکا را نیز بر عهده گرفتند. سرانجام این عملیات ها به خروج نیروهای چند ملیتی از بیروت منجر شد.

با خروج آنها از لبنان، به تدریج عملیات حزب الله به تقابل با اسرائیل و دشمنان داخلی این حزب که آلت دست نیروهای خارجی بودند، شروع شد و خسارت های ناشی از مقاومت، باعث فشار بر افکار عمومی اسرائیل گردید و در نهایت ارتش اسرائیل در ژانویه ۱۹۸۵ با تصمیم کابینه این کشور طی چند

^۱ جمیله کدیور، پیشین، ص ۱۱۶.

^۲ رابین رایت، شیعیان مبارزان راه خدا، ترجمه علی اندیشه، تهران، انتشارات قومس، ۱۳۷۲، ص ۲

مرحله عقب‌نشینی کرد و با استقرار نیروهای خود در یک منطقه همجوار با مرزهای جنوب لبنان، این منطقه را «کمر بند ایمنی» نام نهاد.^۱

این عملیات‌ها موجب حیرت همگان شده. «رابین رایت» خبرنگار آمریکایی در این زمینه می‌گوید: «در طول تاریخ کشور یهود اسرائیل، این اولین بار بود که یک دولت یهودی تحت فشار یک کشور عربی به عقب‌نشینی تن داده بود.»^۲ حتی برخی مفسران اظهار کردند که «اسرائیل به عنوان چهارمین قدرت نظامی جهان، اولین شکست خود را تجربه کرده و جنوب لبنان به صورت یک ویتنام درآمده است».^۳

وضعیت تقابل حزب الله با اسرائیل و دشمنان داخلی اش تا سال ۱۹۸۹م. ادامه داشت تا این که بعد از نشست طائف در این سال، حزب الله با تعدیل در برخی از دیدگاه‌های سیاسی در مورد گروه‌های داخلی لبنان، در کنار ورود به صحنه سیاسی لبنان و بازسازی مناطق شیعه، «به مقاومت سرسختانه و شدید با روش‌های ابتکاری برای آزاد کردن جنوب این کشور از اشغال اسرائیل پرداخت که مورد حمایت ایران و سوریه نیز قرار گرفت».^۴ این مقاومت به جنگ همیشگی میان طرفین تبدیل شد، تا این که در سال ۲۰۰۰م. اسرائیل تحت فشار مقاومت حزب الله و افکار عمومی اسرائیل، مجبور به عقب‌نشینی از جنوب لبنان شد. در این زمینه رایزن فرهنگی سابق ایران می‌گوید: «وضعیت امروز شیعیان لبنان را می‌توان از جمله پر درخشش‌ترین برهه‌های تاریخ جدید لبنان شمرد و اوج این اقتدار و عزت در جلوه‌گر شدن شکوه علوی و مبارزات سلحشورانه مجاهدان حزب الله در مصاف با ارتش تا بن دندان مسلح صهیونیسم پدید آمد و فتح الفتوح شیعیان که ابعاد فرا مذهبی، فرا ملی و حتی فرا منطقه‌ای در جهان پیدا کرد، در شکست دادن آشکار اسرائیل و عقب‌راندن آنها تا آن

^۱ Zisser, Eyal (۱۹۹۷) "Hizbollah on the Crossroad". Middel East Review of International Affairs (MERIA). p ۳۴

^۲ رابین رایت، پیشین، ص ۱۴۱.

^۳ پیشین، ص ۱۴۲.

^۴ محمد علی مهتدی، «تحولات لبنان، خاورمیانه و ایران»، مجموعه مقالات نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به کوشش نسرين مصفا، تهران؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۳.

سوی مرزهای بین‌المللی بود»^۱. طبعاً این پیروزی، تحول بزرگ و بی‌سابقه‌ای برای این حزب و شیعیان لبنان محسوب می‌شد؛ چرا که برای نخستین بار اسرائیل به منظور حفظ امنیت شهروندان خود، مجبور شد بدون مذاکره و بدون کسب هیچ امتیازی، برای رهایی از ضربات مقاومت، از یک سرزمین اشغالی عقب‌نشینی کند. این هدفی بود که «ارتش‌های مجهز کشورهای عربی هرگز نتوانسته‌اند بدان دست یابند»^۲. بدیهی است که چنین تحولی ناشی از تأثیر مستقیم حمایت‌های ایران بوده است که رهبران و اعضای حزب‌الله نیز همواره به تأثیر ایران بر صحنه سیاسی لبنان و به خصوص شیعیان این کشور تصریح و با افتخار از آن یاد می‌کنند. در این زمینه شیخ راغب حرب می‌گوید: «ما زمانی در حال ترس و اضطراب از حمله و تعرض دشمن به سر می‌بردیم؛ ولی در پرتو تدبیر انقلاب اسلامی ایران، اکنون این دشمن است که از ما و اسلام به وحشت افتاده است»^۳.

در طول سال‌های رویارویی حزب‌الله و رژیم صهیونیستی، اسرائیل از جانب شمال احساس امنیت نکرده و با هر تجاوزی به لبنان، حزب‌الله به شهرک‌های صهیونیست‌نشین در شمال اسرائیل حمله کرده است. لذا در جنگ سال ۲۰۰۶م. نیز یکی از اهداف اسرائیل از شروع جنگ، تأمین امنیت شهروندان اسرائیلی بوده است و «ایهود اولمرت» نخست‌وزیر اسرائیل در پاسخ به «کمیته تحقیق علل شکست اسرائیل» علیه موسوم به «وینوگراد» گفت: «این یک جنگ بسیار توجیه شده بود و امنیت مرز شمالی اسرائیل را تضمین می‌کرد ... این امر درست است که جنگ لبنان نظیر تمام جنگ‌های امروز هزینه‌گزافی به دنبال داشت؛ اما امنیت مرز شمالی اسرائیل را تأمین می‌کرد»^۴.

اظهارات اولمرت نشان می‌دهد که اسرائیل تا جایی توسط حزب‌الله تهدید

۱. نجفعلی میرزایی، پیشین، ص ۱۸.

۲. محمد علی مهتدی، پیشین، همان.

۳. غلامرضا گلی زواره، شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان‌نشین، قم؛ مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۳.

۴. ایهود اولمرت، «تحلیل از جنگ ۳۳ روزه»، ایسنا، ۹ خرداد ۱۳۸۶، به نقل از خبرگزاری یونایتدپرس.

شد که هم اکنون تنها به فکر تأمین امنیت مرزهای خود با لبنان است و عملاً نیز حزب الله در جنگ اخیر با تقویت توان نظامی خود توانسته بود تا عمق سرزمین های اشغالی را موشک باران کند، در حالی که اسرائیل پیش از آن به راحتی در طول چند روز به دروازه های بیروت می رسید. ادر این جنگ علاوه بر ترس شهروندان اسرائیلی از مقاومت حزب الله، از لحاظ روانی آنقدر در میان نیروهای نظامی اسرائیل هراس ایجاد شده بود که در جنگ اخیر « از آن جا که نزد نظامیان اسرائیلی اصل بر زنده ماندن و برگشت به آغوش خانواده شان بود ، بدین دلیل بسیاری از آنها از ترس به خطر افتادن جان خود در جنگ از دستور فرماندهان سرپیچی و برخی از آنها استعفا کردند و از ارتش بیرون رفتند. این در حالی است که نیروهای حزب الله به دلیل انگیزه بالا نسبت به شهادت در راه خدا و فدا کردن جان خود برای اسلام و ملت خود از هیچ فعالیتی برای رسیدن به هدف دریغ نمی کردند »^۱.

به طور کلی شکل گیری مقاومت بر مبنای نمادهای شیعه آثار مثبتی برای شیعیان لبنان داشت و از دیدگاه سران حزب الله، « از مهم ترین نتایج شکل گیری حزب الله از سال ۱۹۸۲م. تا به حال و پیروزی های سال گذشته، اوج گرفتن مقاومت در ملت های منطقه بود، در حالی که حکومت های منطقه قبلاً به دلیل شکست از اسرائیل، این منطق را پذیرفته بودند که در برابر اراده آمریکا و اسرائیل چاره ای جز تسلیم ندارند و نباید در برابر آنها مقاومت کرد . ولی با پیروزی های حزب الله لبنان در سال های اخیر این باور زیر سوال رفت. همه اینها را مدیون انقلاب مبارک ایران در سال ۱۹۷۹م. به رهبری امام خمینی دانسته و فرهنگ انقلاب اسلامی ایران به شیعیان لبنان آموخت که باید در برابر دشمنان تا رسیدن به پیروزی، به ایستادگی و مقاومت ادامه داد »^۲.

جنبش مقاومت اسلامی حزب الله لبنان به عنوان یکی از موانع اصلی توسعه طلبی رژیم صهیونیستی و یکی از نمادهای اندیشه سیاسی امام خمینی در جهان

۱. سید حسن نصرالله، « مصاحبه با خبرگزار جمهوری اسلامی ایران »، بیژن نوباه، شنبه ، ۲۰ / ۵ / ۱۳۸۶.

۲. همان، با اندکی ویرایش.

عرب، همواره مورد خشم اسرائیل و آمریکا قرار گرفته است. بنابراین، وجود چنین جنبشی در قلب جهان اسلام و در کنار مرزهای سرزمین‌های اشغالی به هیچ وجه برای دشمنان ایران قابل تحمل نبوده است. این حزب به عنوان یک گروه شیعه مورد حمایت ایران، مانعی جدی در راه اجرای اهداف آمریکا و اسرائیل به شمار رفته است. به علاوه، امروز حزب الله در داخل و خارج لبنان، به ویژه در میان کشورهای عربی و اسلامی اعتبار سیاسی بالایی یافته و تأثیر عمیقی در انتفاضه ملت فلسطین داشته است و برای جنبش‌های آزادی خواه به یک الگوی شایسته تبدیل شده است که همه این ثمرات را ناشی از تأثیرات انقلاب اسلامی ایران می‌داند.

به طور کلی، می‌توان گفت که شیعیان لبنان به ویژه جنبش حزب الله، با تکیه بر عملیات استشهادی، در راه رسیدن به هدف خود بسیار تلاش کرده است که مهم ترین آنها عبارتند از:

۱- گسترش فرهنگ مقاومت، جهاد و عملیات شهادت طلبانه و اثبات کارایی

آن؛

۲- اخراج اشغال گران صهیونیستی و سایر نیروهای خارجی از خاک لبنان؛

۳- سرایت روش مبارزاتی حزب الله بر مسلمانان فلسطین و بر افروختن

آتش انتفاضه به امید آزادسازی همه جانبه قدس؛

۴- رد الگوی مصالحه، دیپلماسی و مذاکرات بیهوده با اسرائیل؛

۵- سست کردن اسطوره شکست ناپذیری اسرائیل در میان اعراب و

مسلمانان؛

۶- تبدیل الگوی مقاومت حزب الله به عامل بیداری اعراب در سراسر امت

اسلامی؛

۷- ایجاد مشروعیت مردمی و همبستگی ملی میان بسیاری از طوائف لبنانی

در خصوص مقاومت در برابر اسرائیل؛

۸- تبدیل حزب الله از یک تشکل اسلامی کوچک در عرصه سیاسی لبنان،

به یکی از مهمترین احزاب سیاسی در لبنان، منطقه خاورمیانه و جهان اسلام.

۶. محوریت روحانیت در عمل سیاسی و مسجد به عنوان کانون

مبارزه

بسیاری از روحانیون شیعه لبنان تا ابتدای دهه هشتاد میلادی، تحصیلکرده حوزه علمیه نجف اشرف در عراق بودند؛ دهه های شصت و هفتاد میلادی را در این کشور به سر برده و شاهد ظهور جنبش زیر زمینی انقلابی عراق، به نام « حزب الدعوه» در سال ۱۹۶۸م. بوده اند. طلبه های شیعه که به نجف می رفتند، تحت تأثیر تئوری های اسلام رادیکالی قرار می گرفتند که روحانیون بلند پایه شیعه ایرانی و عراقی همچون امام خمینی^۱ و آیت الله سید محمد باقر صدر مطرح می کردند.

پس از روی کار آمدن حزب بعث در عراق، دولت این کشور مبارزه همه جانبه ای را علیه نهادها و شخصیت های دینی شیعه در این کشور آغاز و در راستای آن روحانیون و طلبه های شیعه غیر عراقی را از این کشور بیرون کرد. بدین ترتیب، روحانیون شیعه لبنان مجبور به بازگشت به کشور خود شدند. بیشتر روحانیون بازگشته از عراق را افرادی جوان و تحت تأثیر دیدگاه های امام خمینی تشکیل می دادند که با برپایی مدارس دینی در لبنان، آموزه های اسلام سیاسی و انقلابی را به نسل جدید لبنان منتقل کردند. این گروه که بازگشت به کشورشان هم زمان با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران صورت گرفت، به تشکیلات خاصی نپیوسته و تنها در مجموعه های کوچک و پراکنده اسلام گرا در مناطق شیعه نشین لبنان به فعالیت و حمایت از انقلاب اسلامی مشغول شدند.

در این دوره تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران، اختلافاتی در جنبش امل در مورد نحوه رهبری این جنبش ایجاد شد و بر خلاف گروه ملی گرا به رهبری نبیه بری، برخی از مهم ترین گروه ها از جمله جنبش امل اسلامی و هواداران « شیخ محمد مهدی شمس الدین و روحانیون دیگر ضمن مخالفت با رهبری نبیه بری، خواستار واگذاری پست های حساس به روحانیت بودند تا امل چهره دینی پیدا

^۱. سخنرانی های حضرت امام خمینی در خصوص حکومت اسلامی در همین مقطع تاریخی در نجف ایراد گردید.

کند»^۱.

در همان سال های ابتدای انقلاب اسلامی (ژوئن ۱۹۸۲ / نیمه خرداد ۱۳۶۱ (برخی از علمای لبنانی^۲ در اجلاس جنبش های اسلامی که با عنوان «نخستین اجلاس مستضعفان» در تهران برگزار شد، شرکت و با امام خمینی دیدار کردند. امام آنها را به بازگشت به کشورشان و بسیج مردمی علیه اشغال و ترغیب آنان به مبارزه با اسرائیل فرا خواند و خاطرنشان کرد که هیچ کس جز فرزندان آن مرز و بوم نمی تواند کشور را از دست اشغال گران آزاد کند. امام خمینی، هم چنین از آنان خواست برای آغاز فعالیت خود، مساجد را انتخاب کنند. لذا هنگام بازگشت آنها به لبنان، علامه سید محمد حسین فضل الله به ضاحیه و شیخ راغب حرب نیز به سمت جنوب حرکت کرد تا در مسجد جبشیت بزرگ ترین بسیج عمومی را راه اندازد و زمینه لازم را برای ورود به مقاومت فراهم آورد. این در حالی بود که بقیه در بقاع مستقر شدند و با گروه ها و شخصیت های اسلامی دیگر به منظور مذاکره در خصوص مبارزه با اشغال، دیدار کردند. لذا پس از سفارش مستقیم امام خمینی به منظور بهره برداری از مسجد به عنوان کانون مبارزه، جنبش های سیاسی شیعی معاصر لبنان با تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران، تصمیم گرفتند مسجد را نخستین سنگر در تکوین جامعه اسلامی قرار دهند و بدین ترتیب، مسجد به مکان تصمیم گیری های مهم تبدیل شد و علما نیز در مسجد با ایراد خطبه و سخنرانی، آن را به مهم ترین راه ارتباطی خود با پیروانشان تبدیل کردند.

با ورود نیروهای سپاه ایران به لبنان، روحانیون ندای مقاومت اسلامی را در دشت بقاع سردادند و آنها نیز بلافاصله وفاداری خویش را به امام خمینی اعلام کردند. هم چنین روحانیون حاضر در احزاب مهمی، چون «حزب الدعوة» به این فراخوان جواب مثبت داده و به حزب جدید، یعنی حزب الله پیوستند. بدین ترتیب، حزب الله همچون چتری گردید که همه مجموعه ها و شخصیت های

^۱. مسعود اسداللهی، پیشین، ص ۴۹

^۲. از جمله کسانی که در این اجلاس شرکت داشتند می توان به علامه سید محمد حسین فضل الله، شیخ صبحی طفیلی، شیخ عقیف النابلسی، شیخ حسین کورانی، شیخ محمد یزبک و شیخ راغب حرب اشاره کرد.

اسلام گرای شیعه لبنان را تحت پوشش خود قرار داد و با رهبری روحانی که در حوزه نجف درس خوانده بودند، فعالیت را آغاز کردند و پس از تشکیل نخستین شورای رهبری حزب الله در سال ۱۹۸۲م. اعضای این شورا به ایران سفر و با امام خمینی دیدار کردند .

از آن جا که مسجد برای جنبش حزب الله به عنوان پایگاه همیشگی بسیج طرفداران حزب در دهه هشتاد (تا قبل از تأسیس تلویزیون المنار و رادیو النور) به حساب می آمد. سران حزب نیز با تأسیس صدها مسجد جدید، زمینه را برای اشاعه پیام های اسلام گرایانه خود مهیا کردند و مردم نیز در پاسخ به تهاجم ها، بازداشت ها و اعمال خشونت بار نیروهای اشغال گر در حق شهروندان بی دفاع، به همراه علمای اسلام به اعتصاب و راهپیمایی علیه اشغال گران دست زدند که مهم ترین و برجسته ترین آن، قیام جبل عامل و قیام روستای جبشیت به رهبری شیخ راغب حرب بود که در فوریه ۱۹۸۴، عوامل اسرائیلی وی را به شهادت رساندند.

پس از ظهور رسمی حزب الله در سال ۱۹۸۴م. معرفی یک روحانی به عنوان سخنگوی رسمی حزب و استقرار شورای رهبری حزب در ضاحیه، این موضوع را به تدریج آشکار ساخت که حضور یک شورای متشکل از روحانیون در داخل ساختار حزب الله، جای گاه روحانیون شیعه ای که در سال ۱۹۸۲م. حزب الله را پایه گذاری کرده بودند، مشخص می کند. در آن موقع، به استثنای حسین موسوی (ابوهشام)، بقیه اعضای شورای رهبری حزب الله معمم و روحانی بودند^۱. ایدئولوژی حزب الله لبنان با الگوپذیری از انقلاب ایران، بر اتحاد جدایی ناپذیر میان رهبری مذهبی و سیاسی تأکید می کند و به این علت فقهای عالی رتبه، جای گاه ویژه ای در میان اعضای حزب الله و جامعه لبنان به دست آوردند و مسئولیت پاسداری از پیام الهی را به عهده گرفتند . این نوع پاسداری مذهبی -

۱. از جمله این افراد می توان به سه روحانی از شهر بعلبک - سید عباس موسوی، شیخ صبحی طفیلی و شیخ یزبک - اشاره کرد. از دیگر عناصر عمده حزب الله می توان طرفداران علامه فضل الله، از جمله رهبران حزب الدعوة - یعنی سید ابراهیم الامین و شیخ نعیم قاسم - را نام برد . به نقل از دکمچیان هرایی، اسلام در انقلاب، جنبشهای اسلامی در جهان عرب؛ بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی، ترجمه حمید احمدی، تهران؛ انتشارات کیهان، ۱۳۶۶، ص ۳۰۵

سیاسی شامل بهره برداری از نظریه های شهید محمد باقر صدر و امام خمینی بود که در ایران به اجرا گذاشته شد^۱. این نوع رهبری در دوران امام موسی صدر نیز دیده می شد؛ ولی به اعتراف مسئولان حزب الله، الگوی عملی آنها در این زمینه امام خمینی بوده است. در این دوره با وجود تمایل سایر گروه ها به رهبری روحانیت، نقش متمایز روحانیون در بخش های مختلف حزب الله، در هیچ یک از احزاب و سازمان های لبنانی سابقه نداشته است. چراکه به اعتراف بسیاری از اندیشوران لبنانی، گسترش نفوذ روحانیون شیعه در لبنان (در مقایسه با سال های قبل از دهه هشتاد) از جمله تأثیراتی است که شیعیان لبنان از انقلاب اسلامی ایران پذیرفته اند^۲. شاهد این ادعا آن است که از ابتدای تأسیس این حزب تاکنون، همواره روحانیون بیشترین عضو شورای حزب الله بوده اند و ریاست پست های مهم حزب الله، همچون دبیر کل، معاون دبیر کل، شورای اجرایی، شورای جهادی و سخنگو همواره از میان روحانیون انتخاب شده اند و «اعضای حزب الله همانند انقلاب اسلامی ایران، با حلقه به دور روحانیون، رهنمودهای مذهبی و سیاسی را از آنها دریافت کرده و آنها نیز به صیانت از ماهیت اسلامی حزب الله پرداخته و با آوردن دلایل شرعی در مشروعیت اعمال حزب الله، شبهات احتمالی را بر طرف می کردند»^۳.

بدین ترتیب، روحانیون شیعه دو نقش مهم را در حزب الله ایفا می کردند: ۱- ارتباط میان ولی فقیه و پیروان لبنانی وی را برقرار ساختند؛ ۲- ضمن حفاظت و صیانت از ماهیت اسلامی حزب الله، توجیهات شرعی برای اعمال و مواضع حزب الله، از جمله مقاومت و مبارزه در برابر اسرائیل را بیان می کردند. ایفای نقش دوم بدان سبب بوده که حزب الله همواره نیاز داشت که مبارزه اش به گونه ای باشد که با معیارهای شرعی تطبیق کند تا بتواند هواداران خود و شیعیان مومن را متقاعد سازد که اعمال و اقداماتی که این حزب در برابر اسرائیل انجام می دهد، اعمالی جهادگرانه است، نه جنایت کارانه. لذا روحانیون در حزب

^۱. حمزه امرائی، *انقلاب اسلامی ایران و جنبش های اسلامی معاصر*، تهران؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۲۳۹.

^۲. هلال خشان، *الاسلام والعصر الحدیث*، بیروت؛ مرکز الاستشارات و البحوث، ۱۹۹۸، ص ۱۴.

^۳. مسعود اسداللهی، *پیشین*، ص ۱۸۳-۱۷۷.

الله، شبهات احتمالی اقدامات علیه نظامیان غربی و یا اسرائیلی را از ذهن هواداران حزب می زدودند. در این زمینه آیت الله سید محمد حسین فضل الله در تبیین اقدامات رادیکال اسلام گرایان شیعه اظهار داشته است: «ملت هایی که زیر ستم هستند، از سلاح ها و تکنولوژی ویران گری که امریکا و اروپا دارا می باشند، بی بهره اند. از این رو بر آنهاست که با امکانات و وسایل ویژه خود به جنگ و نبرد بپردازند. به نظر ما اقدامات مسلمانان مستضعف جهان در رویارویی با تجاوزگران، آن هم با وسایل و امکانات ابتدایی و سنتی، تروریسم نیست، بلکه جنگی مشروع است که علیه نیروهای امپریالیستی، جبار و مستکبر اعمال می شود»^۱.

۷. اشتراک در ساز و کارهای سیاسی و فرهنگی - تبلیغاتی

ادبیات سیاسی و شعارهای گروه های شیعه همچون جنبش امل اسلامی، حزب الدعوه و حزب الله در دهه هشتاد نشانه تأثیر پذیری شیعیان از انقلاب اسلامی می باشد. به عنوان مثال واژه ها و اصطلاحاتی که در آثار و بیانیه های آنها و یا سخنرانی شخصیت های این احزاب به کار می رفت، بر گرفته از واژه ها و اصطلاحاتی بود که انقلاب اسلامی ایران آنها را رواج داد. حتی انتخاب نام جنبش «حزب الله» نیز متأثر از ایران بوده است. گرچه واژه حزب الله بر گرفته از آیات قرآن کریم است؛ عملاً عاریت گرفته از قاموس فرهنگ سیاسی پس از انقلاب اسلامی ایران بود. «سید علی اکبر محتشمی پور» سفیر سابق ایران در سوریه می گوید: «در مورد اسم این تشکیلات، نظرهای متعددی مطرح شد که بنده با استدلال خود با آنها مخالفت کردم و گفتم که بر اساس همان تفکری که تشکیلات روی آن بنا شده، بهترین نام «حزب الله» است که فارغ از وابستگی های گروهی و تشکیلاتی و سازمانی است. این نام چارچوب امت اسلامی یا امت حزب الله است که همه گروه ها را تحت پوشش قرار می داد، لذا این نام مورد تصویب قرار گرفت»^۲.

^۱. سید محمد حسین فضل الله، مصاحبه با روزنامه کیهان، ۲۳ / ۸ / ۱۳۶۴.

^۲. سید علی اکبر محتشمی پور، «ناگفته هایی از تأسیس حزب الله»، ماهنامه شاهد یاران، شماره ۱۱، مهر ۱۳۸۵، ص ۴۲.

پس از ترکیب گروه های مستقل شیعه در قالب حزب الله از سال ۱۹۸۲م. به بعد، واژه ها، روش ها و ابزارهای تبلیغاتی و فرهنگی حزب الله مشابهت بسیاری با ابزار های تبلیغاتی در جامعه ایران داشت، تا جایی که غالب اصطلاحات و واژه های به کار برده شده حزب الله، از فرهنگ انقلاب اسلامی و سخنان امام خمینی الهام گرفته بود.

در گفتمان حزب الله از ادبیات سیاسی خاص انقلاب اسلامی نیز الگو گرفته شده بود و در این راستا به مسلمانان و سایر ملل ضعیف جهان، به دید « مستضعفان » نگریسته می شد و بر همین اساس، اولین ایستگاه رادیویی حزب الله در بعلبک « صوت المستضعفان » نام گذاری شد. هم چنین آمریکا و شوروی نمونه های « استکبار جهانی » معرفی شدند و اسرائیل نیز به صورت « غده سرطانی » شناخته شد. پرچم های ایران و پرچم های شیعی، از قبیل « یا ابا عبدالله » و « یا مهدی ادرکنا » نیز بر فراز مساجد برافراشته شده بودند.^۱

آنها برای بیان دیدگاه ها و مواضع خود از رسانه های متعددی استفاده می کردند که در کنار رسانه های دولتی ایران از معدود رسانه های منطقه بودند که علیه آمریکا و اسرائیل فعالیت می کردند. از جمله آنها می توان به شبکه تلویزیونی « المنار »^۲ در لبنان اشاره کرد که یکی از بازوهای اطلاع رسانی حزب الله به شمار آمده و مبارزات نیروهای نظامی حزب الله و فلسطین را علیه مواضع اشغال گران قدس نشان می دهد و با رفتار کاملاً ضد صهیونیستی، همواره تصاویری از فعالیت ها و نشست های حزب الله لبنان در منطقه را با پوشش جهانی مخابره می کند. این تلویزیون با وجود حمله شدید و خارج از عرف جهانی ارتش اسرائیل به مراکز رسانه ای^۳، همچنان به کار خود ادامه داده و با

^۱. وضاح شراره، *دولت حزب الله لبنان مجتمعا اسلامیا*، بیروت؛ دارالنهج، ۱۹۹۸، ص ۲۰۸ و ۲۳۲.

^۲. www.almanar.com.lb

^۳. در حمله اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه به شبکه المنار، محل این شبکه با خاک یکسان شد؛ ولی پشتیبانی وسیع حزب الله از این شبکه و پیش بینی این حمله باعث شده بود که بدلیل تهیه مکانهای متعدد برای پخش برنامه های المنار، حتی یک ثانیه نیز برنامه های این شبکه با اختلال رو به رو نشد. اظهارات ابراهیم فرحات، مدیر روابط عمومی شبکه المنار، بازدید نگارنده از محل جدید این شبکه در بیروت، منطقه بئر حسن و بازدید از محل قبلی آن در منطقه ضاحیه، جمعه، ۱۳۸۶/۲/۲۸.

پخش برنامه ها و تصاویر متعدد خود ضربه های روانی به اسرائیل می زند . هم چنین در کنار آن شبکه رادیویی « النور »^۱، هفته نامه « العهد » و پایگاه های اینترنتی مختلف^۲ به عنوان رسانه های حزب الله، نقش زیادی در اطلاع رسانی و جنگ تبلیغاتی این حزب داشته است. اهداف رسانه ای حزب الله لبنان، رویکردهای مختلفی از جمله ترویج آرمان ها، صهیونیسم ستیزی^۳ و ... را دنبال می کند که همه آنها بیان گر تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران است.

علاوه بر تأثیر پذیری گروه های شیعی باید گفت که یکی از مهم ترین فعالیت های رایزنی فرهنگی و سفارت ایران در لبنان با همکاری گروه های شیعی برگزاری مراسم، تظاهرات و جشن های اعیاد اسلامی، روز قدس، بر پایي عزاداری اهل بیت و ... است که استقبال شیعیان لبنان از چنین مراسمی همبستگی دو ملت را نشان می دهد.^۴ هم چنین آثاری در جامعه لبنان پس از انقلاب اسلامی تا کنون به چشم می خورد که بیان گر تأثیر پذیری آنها از ایران می باشد . از جمله این که در محله هایی از بیروت همانند برج البراجنه، بئر حسن، حارت حریک و هم چنین در مناطق دیگری لبنان مانند جبل عامل، بعلبک، نبی شیث، صور، صیدا، بنت جبیل، مارون الرأس، بنت عمیس، کفرکلا، خیام و ... هنوز تصاویر، شعارها و نوشته هایی در حمایت از انقلاب اسلامی ایران و رهبری این نهضت مشاهده می شود . به علاوه این که در سال ۲۰۰۷م. در کنار کاخ نخست وزیری لبنان که چادرهای گروه های معترض دولت (۸ مارس) در آن جا وجود داشت، تصاویری از آیت الله خامنه ای در کنار سید حسن نصرالله و نبیه بری به چشم می خورد. محبوبیت ایران در میان شیعیان لبنان تا حدی است که حتی در جنوب لبنان در نقطه ای که در یک سو پرچم اسرائیل و در طرف دیگر، پرچم لبنان به چشم می خورد و نیروهای بی طرف سازمان ملل در آن جا هستند، تابلویی بسیار بزرگ از تصویر سید حسن نصرالله و حضرت

^۱ -www.al-nour.net

^۲ . از جمله آنها عبارتند از : www.ghaliboun.net/eindex.php و www.moqawama.net

^۳ . محمد صادق افراسیابی، « حزب الله لبنان، از المنار تا فتح القدس : بررسی رفتار فرهنگی رسانه ای حزب الله لبنان در جهان»، روزنامه جام جم، ۱۳۸۵/۷/۲۲ .

^۴ . احمد نادری سمیرمی، پیشین، ص ۱۴۸.

آیت‌الله خامنه‌ای هست، بدون این که نمادی از لبنان و اسرائیل در آن جا وجود داشته باشد^۱.

نکته قابل ذکر در این جا آن است که نفوذاندیشه‌های انقلاب اسلامی ایران به لبنان باعث تغییرات گسترده فرهنگی در میان شیعیان شده است که این وضعیت در لبنان، پیش از انقلاب اسلامی ایران حتی در دوره امام موسی صدر نیز دیده نشده بود. یکی از مظاهر انقلاب اسلامی ایران که در پیروان جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر دیده می‌شود، حجاب است. چراکه امام موسی صدر بیشترین دغدغه‌اش ساماندهی وضعیت سیاسی اجتماعی شیعیان بود. وی گرچه از وضعیت فساد در میان شیعیان ناراحت بود؛ با توجه به اولویت‌های دیگر، عملاً فرصت اصلاح این وضعیت را نیافت و غالباً به صورت محدود آنها را اصلاح می‌کرد. اما پس از انقلاب اسلامی ایران برخی از زنان شیعه در لبنان به تبعیت از زنان ایرانی محجبه شدند که این وضعیت هنوز هم در میان شیعیان لبنان بسیار به چشم می‌خورد.

نتیجه‌گیری

پیروزی انقلاب اسلامی ایران بستر ساز احیای نهضت شیعی لبنان و الهام بخش رهایی مردم شیعه در مبارزه با اسرائیل شد و این کشور به مناسب‌ترین محل رشد و پرورش افکار انقلابی شیعه در آمد؛ چه این که سرنگونی حکومت پهلوی در ایران، تبدیل به الگویی برای مبارزه علیه اشغال و بی‌عدالتی در جامعه لبنان تبدیل شده بود و شیعیان در این کشور با کنارگذاشتن سایر الگوها و در پیش گرفتن الگوی اسلام انقلابی برگرفته از ایران، به مبارزه برای کسب حقوق خود در جامعه لبنان پرداختند. بدین ترتیب، پس از انقلاب اسلامی، شیعیان لبنان نیز با حمایت مستقیم یک کشور انقلابی و مصمم که در پی صدور آرمان‌های انقلاب بود، در صدد برآمدند تا موقعیت سیاسی اجتماعی خود را در جامعه لبنان ارتقا دهند.

^۱. دیدار نگارنده از بیروت و سایر شهرها و مناطق مذکور - تابلوی مذکور در نقطه صفر مرزی لبنان و اسرائیل در منطقه بوابه فاطمه می‌باشد.

رسیدن به منافع طایفه ای در ضمن منافع ملی یا بیرون از آن، دغدغه مهمی بود که شیعیان لبنان تحت تأثیر ایدئولوژی انقلاب اسلامی و مواضع سیاسی ایران، با گذراندن تجربه های مختلف اعم از نزاع، جنگ داخلی شیعه، صلح، اتحاد و ... به تدریج موفقیت هایی را به دست آوردند و اکنون پس از گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران نیز با تأثیر در عرصه های سیاسی (سهم بیشتر در قدرت)، اجتماعی (بهبود شدن وضعیت شهروندی) و فرهنگی (تقویت هویت شیعی)، نقش مهمی در ارتقای جای گاه شیعیان لبنان در جامعه معاصر ایفا کرد و تأثیر فوق باعث شد تا از یک سو، لبنان به مهم ترین کانال اثرگذاری بر مسئله قدس، فلسطین و منازعه اعراب و رژیم صهیونیستی تبدیل شود و از سوی دیگر، شیعیان لبنان با انتقال از حاشیه به مرکز ثقل تحولات، نقش فزاینده ای را در تحولات سیاسی اجتماعی لبنان بر عهده گرفتند؛ به گونه ای که در حال حاضر بدون در نظر گرفتن دیدگاه ها و خواسته های آنان، دستیابی به هرگونه توافق در جامعه فرقه ای طایفه ای لبنان ممکن نیست. در پی کسب موفقیت های انقلاب اسلامی ایران در لبنان، دشمنان جمهوری اسلامی ایران همواره به دنبال آن بودند تا بتوانند با موج اسلام‌گرایی متأثر از انقلاب اسلامی مقابله کنند و در حال حاضر نیز طرح خاورمیانه جدید، سیاستی جهت مقابله با انقلاب اسلامی تلقی می‌گردد که حاکی از تلاش بی‌وقفه و نظام‌مند جهان غرب به سرکردگی آمریکا برای مقابله و مهار خاورمیانه اسلامی با محوریت تفکر شیعی و انقلاب است و آمریکا و هم‌پیمانان منطقه ای اش می‌کوشند با طرح مسائلی چون «هلال شیعی» اذهان را به این موضوع منحرف کنند تا بتوانند جلوی تأثیر موفقیت آمیز انقلاب اسلامی ایران را بگیرند. در این راستا به نظر می‌رسد که به دلیل حمایت ایران از شیعیان به ویژه حزب الله، بهتر است جمهوری اسلامی ایران در گام نخست در صدد وحدت تمامی شیعیان با اهدافی همچون مبارزه با اسرائیل و ... برآید و در گام دوم نیز با هدف همگرایی با طوایف دیگر تلاش کند؛ همان طور که در جریان تشکیل حرکت محرومین از سوی امام موسی صدر پی‌گیری شده بود.

منابع:

فارسی

۱. اباذری عبدالرحیم، *امام موسی صدر سرورش وحدت*، تهران؛ مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۳.
۲. اسپوزیتو جان ال، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیر شانه چی، تهران؛ مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۲
۳. اسداللهی مسعود، *از مقاومت تا پیروزی*، تهران؛ موسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه سازان نور، ۱۳۷۹
۴. اسداللهی مسعود، *جنبش حزب الله لبنان؛ گذشته و حال*، تهران؛ پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲.
۵. افراسیابی محمد صادق، « حزب الله لبنان، از المنار تا فتح القدس: بررسی رفتار فرهنگی رسانه ای حزب الله لبنان در جهان»، روزنامه جام جم، ۱۳۸۵/۷/۲۲
۶. امرائی حمزه، *انقلاب اسلامی ایران و جنبش های اسلامی معاصر*، تهران؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.
۷. اولمرت ایهود، « تحلیل از جنگ ۳۳ روزه»، ایسنا. ۹ خرداد ۱۳۸۶، به نقل از خبرگزاری یونایتدپرس
۸. «امام از نگاه جهان»، *مجله حضور*، ش ۱، خرداد ۱۳۷۰.
۹. « حزب الله از تشکیل تا پیروزی»، روزنامه رسالت، ۱۸ / ۳ / ۱۳۷۹.
۱۰. جرجیس، فواز. ای، *آمریکا و اسلام سیاسی*، ترجمه سیدمحمدکمال مسروریان، تهران؛ پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۵
۱۱. چمران، مصطفی، *لبنان، تهران؛ بنیاد شهید چمران*، ۱۳۶۲.
۱۲. حسامی، شیخ شرف، (استاد حوزه عملیه سندج)، سخنرانی در مراسم تجمع علماء مسلمین در بیروت، هتل الساحه، چهارشنبه ۲۶ / ۲ / ۱۳۸۶
۱۳. حشمت زاده محمد باقر، *تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی*، تهران؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵

۱۴. حنفی حسن، «اسلام سیاسی»، ترجمه محمد حسن معصومی، مجله حکومت اسلامی، سال دوم، شماره اول، بهار ۱۳۷۶، شماره پیاپی ۳.
۱۵. خوشروزاده، جعفر «هویت یابی مجدد امت اسلامی»، روزنامه جام جم، ۱۳۸۵/۱۱/۲۱
۱۶. دژاردن تیری، صد میلیون عرب، ترجمه حسین مهری، تهران؛ نشر توس، ۱۳۶۹.
۱۷. دعوتی میر ابوالفتح، مسلمین شیعه در لبنان، تهران؛ انتشارات آثار بعثت، ۱۳۵۲.
۱۸. دکمجیان هرایر، اسلام در انقلاب، جنبشهای اسلامی در جهان عرب؛ بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی، ترجمه حمید احمدی، تهران؛ انتشارات کیهان، ۱۳۶۶.
۱۹. رابینوویچ ایتمار، جنگ برای لبنان، ترجمه جواد صفایی و غلامعلی رجبی یزدی، تهران؛ نشر سفیر، ۱۳۶۸
۲۰. رایت رابین، شیعیان مبارزان راه خدا، ترجمه علی اندیشه، تهران، انتشارات قومس، ۱۳۷۲.
۲۱. روره الیویه، شکست اسلام سیاسی، ترجمه عبدالکریم خرم، پیشاور؛ نشر مصطفی سحر، ۱۹۹۵.
۲۲. السید رضوان، اسلام سیاسی معاصر در کشاکش هویت و تجدد، ترجمه مجید مرادی، تهران؛ مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۳.
۲۳. شیبانی (سفیر جمهوری اسلامی ایران)، مصاحبه نگارنده با ایشان در بیروت؛ سفارت جمهوری اسلامی ایران، جمعه، ۲۸ / ۲ / ۱۳۸۶.
۲۴. صاحبی محمدجواد، اندیشه اسلامی در نهضت‌های اسلامی، تهران؛ انتشارات کیهان، ۱۳۷۰.
۲۵. صدیقی کلیم، مسائل نهضت‌های اسلامی، ترجمه سیدهدادی خسروشاهی، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵.
۲۶. علی بابایی غلامرضا، فرهنگ تاریخی سیاسی ایران و خاورمیانه، تهران؛ موسسه رسا، ۱۳۷۴

۲۷. علیزاده . ه، فرهنگ سیاسی لبنان، ترجمه محمدرضا گلسرخی و محمدرضا معماری، تهران؛ نشر سفیر، ۱۳۶۸
۲۸. غربیه حسین، «معمار هویت: بررسی نقش امام موسی صدر در شکل بندی هویت شیعی لبنان»، ترجمه سید کاظم سید باقری، پگاه حوزه، شماره ۱۸۴، ۲۰ خرداد ۱۳۸۵.
۲۹. فضل الله سید محمد حسین، مصاحبه با روزنامه کیهان، ۱۳۶۴/۸/۲۳.
۳۰. قاسم نعیم، حزب الله لبنان: خط مشی، گذشته و آینده آن، ترجمه محمد مهدی شریعتمدار، تهران؛ انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۳.
۳۱. قدیری ابیانه محمد حسن، «تحلیل اوضاع لبنان و خاورمیانه جدید و تأثیر آن بر ایران»، خبرگزاری آینده روشن، ۷ / ۵ / ۱۳۸۵
۳۲. قوچانی محمد، «جغرافیای تاریخی شیعیان؛ اتحاد شیعیان ایران و لبنان»، روزنامه شرق، ۱۳۸۵ / ۵ / ۵
۳۳. کدیور جمیله، رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، تهران؛ نشر اطلاعات، ۱۳۷۹
۳۴. گلی زواره غلامرضا، «سیری در تاریخ و جغرافیای لبنان»، مجله مکتب اسلام، شماره ۶ و شماره ۱۰، سال ۱۳۸۱
۳۵. گلی زواره غلامرضا، شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان نشین، قم؛ مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰
۳۶. لوتسکی . و، تاریخ عرب در قرون جدید، ترجمه پرویز بابایی، تهران؛ انتشارات چاپار، ۱۳۵۴.
۳۷. محتشمی پور سید علی اکبر، «ناگفته هایی از تاسیس حزب الله»، ماهنامه شاهد یاران، شماره ۱۱، مهر ۱۳۸۵.
۳۸. محمدی منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵
۳۹. معینی آرانی مصطفی، ساختار اجتماعی لبنان و آثار آن، تهران؛ وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲
۴۰. ملکوتیان مصطفی، «تأثیرات منطقه ای و جهانی انقلاب اسلامی»،

- مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی ، شماره ۶۱ ، پاییز ۱۳۸۲ .
۴۱. مهتدی محمد علی، « تحولات لبنان، خاورمیانه و ایران »، مجموعه مقالات نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به کوشش نسرين مصفا، تهران؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۵.
۴۲. موسوی بجنوردی سید محمود، « مروری بر موقعیت طوائف، مسائل سیاسی و نظامی لبنان»، روزنامه همشهری، ۸ / ۹ / ۱۳۸۵.
۴۳. میرزایی نجفعلی، مبانی و اصول بنیادین طرح راهبردی لبنان، قم؛ سازمان حوزه ها و مدارس خارج از کشور، مرکز اسناد سازمان، ۱۳۷۹.
۴۴. نادری سمیرمی احمد، لبنان، تهران؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶
۴۵. نصرالله سید حسن، « مصاحبه با خبرگزار جمهوری اسلامی ایران »، بیژن نوباوه، شنبه ، ۲۰ / ۵ / ۱۳۸۶
۴۶. هوبر احمد، « دستاوردهای انقلاب اسلامی در جهان امروز »، مجله حضور، شماره ۱، خرداد ۱۳۷۰ .
۴۷. یزدی ابراهیم، « نقش امام موسی صدر در لبنان و انقلاب ایران »، یادنامه امام موسی صدر، ویژه نامه تاریخ و فرهنگ معاصر، به کوشش سید هادی خسروشاهی، قم؛ مرکز بررسی های اسلامی، ۱۳۷۵.

عربی

۴۸. بولس جواد ، تاریخ لبنان، بیروت؛ دارالنهار للنشر، ۱۹۷۲
۴۹. الحر العاملی شیخ محمد بن الحسن، امل / الاصل، تحقیق السید احمدالحسین، بغداد؛ مکتبه الاندلس، بی تا
۵۰. حیدر عاکف، الاشیاء باسمائها من اجل لبنان افضل، بیروت؛ شرکه المطبوعات للتوزیع والنشر، ۱۹۹۵ .
۵۱. خشان هلال، الاسلام والعصر الحدیث، بیروت؛ مرکز الاستشارات و البحوث، ۱۹۹۸.
۵۲. الخوند مسعود، الموسوعه التاریخیه الجغرافیه، بیروت؛ شرکت العالمیه للموساعات، ۲۰۰۵

٥٣. سعدون حماده، *تاريخ الشيعة في لبنان*، بيروت؛ دارالخيال، ٢٠٠٨ .
٥٤. شراره وضاح، *دولة حزب الله لبنان مجتمعا اسلاميا*، بيروت؛ دارالنهار، ١٩٩٨ .
٥٥. الظريفي عادل بن زيد، « جمهورية لبنان الاسلاميه»، روزنامه الرياض، چهارشنبه، ٢٢ نوامبر ٢٠٠٦، شماره ١٤٠٣٠ .
٥٦. العاملي محمد تقى آل فقيه، *جبل عامل في التاريخ*، بغداد؛ دارالساعة، ١٣٤٦
٥٧. عمار محمد، *الاسلام السياسي و التعدديه السياسيه من منظور الاسلامي*، ابوظبي؛ مركز الامارات للدراسات والبحوث الاستراتيجيه، ٢٠٠٣
٥٨. غريب حسن خ، *نحو تاريخ فكري سياسي لشيعة لبنان*، بيروت؛ دارالكنوز الادبيه، ٢٠٠٠
٥٩. فحص هاني، *شيعة لبنان: الرقم الصعب محلياً وإقليمياً*، <http://www.al-bayyna.com>
٦٠. المهاجر جعفر، *التأسيس لتاريخ الشيعة في لبنان و سوريه*، بيروت؛ دارالملاك، ١٩٩٢

English :

٦١. Buheiri, M.R. (١٩٨١) "Intellectual Life in the Arab-east ١٨٩٠-١٩٣٩" Beirut .
٦٢. Fawaz, Leila Tazari. (١٩٨٣) "Merchants and Migrants in Nineteenth-Century Beirut" Cambridge: mass .
٦٣. Marirus Deeb, . (١٩٨٠-) "Lebanon : prospects for national reconciliation in the MID", Middle East Journal No ٢
٦٤. Olmert, Joseph. (١٩٨٧) "The Shiites Of Lebanon" In Martin Kramer, *Shiism Resistance and Revolution*, London : Menasell Publication.
٦٥. Zisser, Eyal (١٩٩٧) "Hizbollah on the Crossroad" 'Middel East Review of International Affaires (MERIA).